

# آشنا با جهان

## عالم یهود

قسمت

۱۹

بهاه ریال

تلگرافی «هاعولام»

شنبه ۴ دی ماه ۱۳۲۴

مدیر و مدیر  
مس بوسانی  
الله لای  
تهران  
راه رازی

### ده دستور رمز صد ساله

- ۱- هیجوقت بخوشیهای و رنجها و کارها و پیشرفتهای دنیایی میل نشوید .
  - ۲- بعد اعتدال و در ساعات معینی غذا بخورید .
  - ۳- ورزش کنید ولی نه خیلی زیاد .
  - ۴- راحت بخوابید ولی نه خیلی طولانی .
  - ۵- هیجوقت اندوهگین نباشید .
  - ۶- صبح ها ساعات کار روز را تقسیم کرده رعایت کنید .
  - ۷- هرچه ممکنست از نور آفتاب بهره مند شوید .
  - ۸- هر قدر بتوانید شیر بخورید .
  - ۹- دستور پزشک خودتان را رعایت کنید و همیشه با او مشورت کنید .
  - ۱۰- از افراط در هر چیز خودداری کنید .
- از «راهنمای زندگی»

### پوشش

چاپ يك قسمت از كتاب عالم يهود بواسطه پيش آمد اشكالات اداری و فنی بتأخير افتاد . پس از اعتدال از خوانندگان گرامی اميدواريم بتوانيم از اين پس هر قسمت را در موقع خود منتشر نمايم . دفتر عالم يهود

مقابل  
خیابان  
شاه آباد  
پانزدهم

فروشنده انواع و اقسام لوازم و آلات موسیقی - تعمیرات آلات موسیقی با قیمت مناسب همه نوع پذیرفته میشود

### دفتر مقالات

متمنی است مقالات را باخط خوانا و بریکطرف صافه بنویسند ضمناً در ذیل آنها تعیین کنید که مقاله نگارش شما و یا ترجمه و یا اقتباس است . در دو صورت اخیر نویسنده اصلی را معرفی نماید

### برندگان جوایز «ترجمه کنید» قسمت ۱۴

در ترجمه این قسمت دوشیزه مهین امید و آقایان یوسف امانپور - ۰۱ مرادیان - میسور شلومیل - ح میطاحی م - موسائی - ابراهیم الیاهو - داود میرزا حی - اسحق اوهب درست ترجمه نموده بودند .  
بین اشخاص فوق دوشیزه مهین امید و آقای یوسف امانپور برنده شناخته شدند لذا از آنها درخواست میشود که آدرس خود را برای ما بفرستند تا جایزه ارسال گردد . اینک ترجمه دوشیزه امید درج میشود .  
شعون و لوی با یکدیگر دوست بودند هر دو با حالتی غمگین بدبستان آمدند . شعون گرسنه بود زیرا نان در خانه والدینش نبود و لوی نیز درسی را که آموزگارش داده بود نیدانست . لوی چون دید رنگ از چهره شعون پریده گفت : گویا گرسنه باشی . یا و از این غذا بخور . برای هر دو ما کافی است . شعون از آن خوراک خورد و سیر شد ولی لوی منوم روی کتابش نشست . شعون باو گفت : چه میخواهی ؟ تا آموزگار بیاید من درست را روانت خواهم کرد .  
پس هر دو نشستند و درس را مرور کردند تا لوی آنرا حفظ شد .

### اخطار بنمایندگان عالم یهود

از کلیه نمایندگان تقاضا میشود که قسمتهای عالم یهود را با قسمت ۱۵ آتیچه تا بحال بفروش نرفته ارسال دارند و ضمناً در نظر داشته باشند که باید تا دو هفته بعد از وصول هر قسمت از کتاب عالم یهود حساب آنرا تصفیه نموده و بهای آنرا بانضمام تعداد کتب باقیمانده بمرکز ارسال دارند و الا پناهی بعد از موعده مینه کتابهایی ارسال گردد دفتر عالم یهود از قبول آنها خودداری نموده و قیمت آنرا بنایت بدهی قطعی ایشان محسوب خواهد نمود .

### دفتر عالم یهود

- تهران - دفتر عالم یهود
- تهران - چهار راه یوسف آباد - چاپخانه بوسانی
- تهران - لاله زار - کوچه خندان - کافه رستوران کاش
- تهران - روزهای سه شنبه و پنجشنبه از روزنامه فروشها همدان - درب حکیمخانه - نمازخانه طبریانی
- کرمانشاه - بنگاه مطبوعاتی فرشته
- شیراز - بنگاه بخش مطبوعات
- رشت - بازرگانی حاجی نصیر ابراهیمیان
- بروجرد - دبستان اتحاد
- خیابان پهلوی - چاپخانه لاریان
- اهواز - نمازخانه اتحاد
- سیروس
- اصفهان - چهار باغ - نمازخانه شامشیان
- اراک - سرای آقا - آقای سلیمان رونی
- بابل - آقای اسماعیل پایی
- رضایه - دبستان اتحاد
- کاشان - سرای نو - آقای نجف الله نظریه
- میاندوآب - آقای همت الله میکائیل
- کرمان - بازار وکیل - آقای سلیمان دانیالی



### جایزه خوب

شخصی عادت داشت هر گاه که از اداره بعاشق میروید هر راه بدکان او شایبه فروشی برود و چند گیلان بنوشد . زنش پس از گفت و شنود بسیار از او خواست که این رفتار زشت را ترک کند و او قول داد . روز بعد هنگامیکه از کنار دکان او شایبه فروشی میکشد يك نگاه کوچک هم بآنسو نکرد و با مقامات پیار رفت تا بدرخانه اش رسید . آنگاه ایستاد و بخند گفت :  
آخرین بر تو ای مرد ! اکنون که اراده قوی داشتی و قول مهادت را نشکستی يك جایزه خوب لازم داری و هیچ جایزه ای بهتر از يك چتر عرق نیست .

### صحبت زن و شوهر

زن - بیش از اینکه به تومروسی کنم هفت نفر بمن پیشنهاد ازدواج کردند و من هم را رد کردم مسلماً هر هفت نفر از تو بهتر و عاقلتر و باتجربه تر بودند . شوهر - لازم نیست قسم بخوری باور کردم . چون اگر از من عاقلتر و باتجربه تر نبودند با تو ازدواج میکردند .

### در خیاطخانه

بشما که تم که از این پارچه دو شلوار برای من بدوزید . بسیار خوب آقا بندهم دو شلوار خواهم دوخت . پس چرا فقط اندازه يك شلوار را گرفتید ؟

### آینده سعادت بخشش

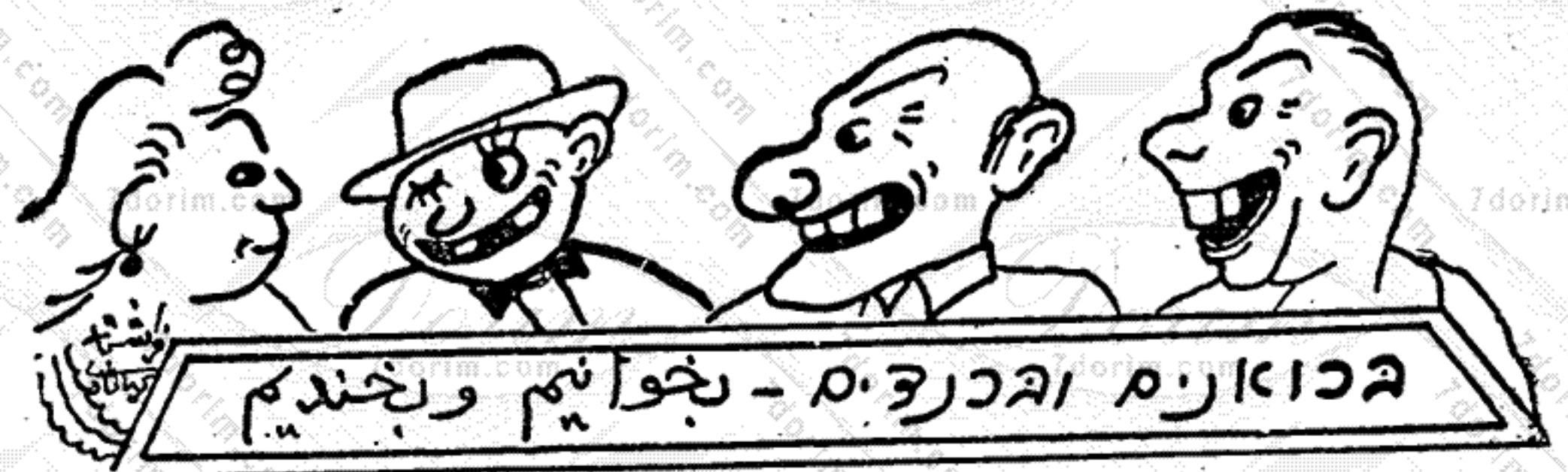
مهری - عزیزم زودهی با هم زن و شوهر میشویم و من با درد و غم تو شریک خواهم بود .  
منوچهره - آرام جانم از عشق روی تو ولنت مهر تو بیخدا هیچ بود و هم ندارم مهری - آره . حالاً را امیکویم .  
وقتی که زن و شوهر شدیم . . . . .

### شریک زندگی

ناصر - تو از زندگی راضی هستی ؟  
زنت هم امور زندگی با تو کمک میکند ؟  
ناصر - بله کاملاً . من تهیه میکنم و او بصرف میرساند .







### فهرست مندرجات

صفحه ۳۲۲	بخوانیم و بخندیم
۳۲۳	آینده یهود - بزركان يهود را بشناسيد
۳۲۴	درفت قله قاف - ای امید من
۳۲۵	تاریخ یهود - چرا من یهودی هستم
۳۲۶	اخبار دنیای یهود
۳۲۷	دوشیزگان عزیز - برای زنان - بنی سیلین
۳۲۸	سارا
۳۳۰	صدائی که از قبرستان بیرون می آید - اهل
۳۳۲	کارید یا اهل اندیشه و تعمق - اخبارداخه یهود
۳۳۳	نامه وارده - پاسخ آقای کهتصدق
۳۳۵	زیاترین کودکان
۳۳۶	برندگان جوایز - مسابقات - ترجمه کنید

### تقریر هفتگی

طوت	دی	دسامبر
۵۷۰۶	۱۳۳۴	۱۹۴۵
۳ شنبه ۲۱	۴	۲۵
۴ ۲۲	۵	۲۶
۵ ۲۳	۶	۲۷
آدینه ۲۴	۷	۲۸
شنبه ۲۵	۸	۲۹
یکشنبه ۲۶	۹	۳۰
دو شنبه ۲۷	۱۰	۱ ژانویه

### شرح عکس پشت جلد

هیئت جوانان اسرائیل کرمانشاه با مدیر و ناظم دبیرستان اتحاد همدان و نماینده سوختون از راست بچپ ردیف اول آقای داود یوسف نیا عضو کمیته مدارس اتحاد کرمانشان - آقای کوهنگا مدیر دبیرستان اتحاد همدان - ماده مازل بارداش نماینده آلیانس و مدیر دبیرستان دخترانه اتحاد کرمانشاه - سیودان نماینده سوختون - آقای صالح ناظم دبیرستان اتحاد همدان - ردیف دوم - آقایان شکرالله دانی - داود صادق - ساسون شمش - اسحق یاشارمل ابراهیم نیکروش - داود خلیلی - سلمان دردشتی - ردیف سوم - آقایان - ابراهیم خانزاد - کرچی جانان - عسکر واحدی - الیاهو یینی - میرزا نیکروش.

### شرکت سهامی چاپ

### مردان باوفا

— آیا حالا هم با خام خود همان طور هستی که پیش از هروسی بودی؟  
— کاملاً یادم نمیروم که وقتی گرفتار عشقش بودم چون از گوچه میگذشتم و سایه او را از پشت برده توری پنجسره اطاق میدیدم همه اندامم ملرزید ...  
حالا هم هر وقت این سایه را ببینم میارزم با یک مختصر تفاوت .  
— چه تفاوت ؟  
— آروزها از عشق و برستش ولی این روزها از ترس و نفرت !

### دعای مستجاب

بندهای مؤمن در عین بی بولی سر با آسمان کرده بود و میگفت : بارالها میلیونها سال هر جهان در پیشگاه تو بیش از یک ثانیه نیست و میلیونها ریال بول ما با اندازه یکشاهی از بولهای تو هم نمیشود . خداوند! یکشاهی از بولهای خردت بمن بده .  
ندا از آسمان آمد که میفرمود : بنده من راست میگوئی ، یک ثانیه صبر کن !

### راستگویی

بدر بلرزند - بچه جان من وقتی که مثل تو بچه بودم هر گز دروغ نمیگفتم بچه - پس بابا جان چه وقت شروع بدروغ گفتن کردید ؟

### درس جغرافی

معلم - گرمترین نقطه روی زمین کجاست ؟  
شاگرد - کرمانه !

خیابان شاه یافا مقابل دانشسرای دختران آباد

فروشنده انواع و اقسام لوازم و آلات موسیقی - تعمیرات آلات موسیقی با قیمت مناسب همه انواع پذیرفته میشود

## گورش کبیر و فتح باب

نمایشی است که تا کنون داده نشده است .  
— نمایشی است تاریخی اجتنابناجکی اخلاقی که یکی از مهمترین تاریخ پر افتخار مهد باستان را میدهد .  
— نمایشی است که برای اولین در ایران توسط بهترین هنرپیشگان خواهد شد .

— نمایشی است که شما را دیدن بارگاه بر جلال و عظمت پادشاهان هخامنشی دعوت میکند .

**اخبار شرکت کنندگان مسابقات**  
عده از شرکت کنندگان جوایز ریال تمبر سال نداشته اند متأسفانه کساری و مشابه ملل دیگر جهان قرار نگیرد و اجتماع ملی خویش را در یک کشور خود مختار تشکیل ندهد عالم یهود نمیتواند باین گونه باطنی از صورت سرگردانی و بیخانمانی خارج نشود هیچ اطمینانی بتأمین زندگی و جانش موجود نخواهد بود و دانما پایه های اجتماع آن لرزان و متزلزل بوده هر چند روز یکبار دستخوش هوس یکی و دستاویز برای سیاست دیگری خواهد بود همیشه برای منافع دیگران بکار خواهد رفت درحالیکه خودش هیچ سودی جز نقصان و تحلیل نخواهد برد .

### علت تعطیل

بواسطه تصادف با ایام سوگوار حضرت سیدالشهدا هفته قبل عالم منتشر شد .  
عالم

### قابل توجه بازرگانان محترم

تجارتخانه داود صادق که داروسوابق متد تجارتی میباشد و اخیراً کم بقره افریقا سرایت نموده و نمونه آن در کشورهای شمالی افریقا انجام گرفت و در حالته که ترخیص کالا تأسیس نموده حاضر است کلیه امور صادراتی و وارداتی و های کمرگی را با نهایت دقت باسر وقت انجام دهد . آدرس خر مشهر داود صادق تلگرافی صادق ۶ - ۷

### تاریخ مختصر ضیونیسم

بزودی منتشر میشود



## آینده یهود !!؟

همینکه جنک بیابان رسید حتی هنگامی که هنوز ادامه داشت عقاید جهانیان و ییشینی آنان در آینده یهود دونوع تغییر می شد عده ای معتقد بودند که در اثر نابود شدن عده زیادی از یهودیان و بل مشقات و بیچارگی های فراوان از طرف اکثر باقی ماندگان زنگ احساسات ضد یهودی و کینه و اورت ذاتی که در اثر تلقینات و تبلیغات رژیم نازی بنسبتهای خطر رسیده بود خود بخود از قلب جهان سیت زدوده شده و جای خویش را یک نوع صفای باطن و محبوبیت و یا لاقبل حسن نظر خواهد و بنابراین با دادن این قربانی کبرشکن موقعیت سیاسی یهود در جهانی که در آن ساکن است مستحکمتر و ممانند دیگر همسایگان خویش زندگی خواهد کرد .

دسته دیگری که بیشتر از صاحب نظران و آتانی که بتاریخ این قوم آشنائی داشته و قضایا را از روی فطن بررسی میکنند بود ایمان داشتند که بعد از جنک هم مخالفت و دشمنی برضد یهودیان بر طرف و خوف نخواهد شد و حتی ممکن است آن آزادی را هم که در بعضی از کشورهای قبل از جنک یهودیان هوس در اثر مخالفت با رژیم نازی کسب کرده بودند از آنان سلب نموده و بدین طریق بدبختی را از روی بقره دیگر و از کشوری بکشور دیگر منتقل نمایند و منتها رنگ آنرا تغییر دهند و بنام دیگری اجرا کنند این اشخاص گفتار و عقاید خود را به اصول محکمی متکی میدانستند که بر طبق آن اصول تا هنگامی که ملت یهود شکل یک ملت واقعی و با مشخصات مورد لزوم یک ملت زنده بربیک پایه ریالی تمبر سال نداشته اند متأسفانه کساری و مشابه ملل دیگر جهان قرار نگیرد و اجتماع ملی خویش را در یک کشور خود مختار تشکیل ندهد عالم یهود نمیتواند باین گونه باطنی از صورت سرگردانی و بیخانمانی خارج نشود هیچ اطمینانی بتأمین زندگی و جانش موجود نخواهد بود و دانما پایه های اجتماع آن لرزان و متزلزل بوده هر چند روز یکبار دستخوش هوس یکی و دستاویز برای سیاست دیگری خواهد بود همیشه برای منافع دیگران بکار خواهد رفت درحالیکه خودش هیچ سودی جز نقصان و تحلیل نخواهد برد .

حوادث چند هفته اخیر جهان که هنوز با روزهای صلح فاصله ای ندارد ثابت نمود که دسته دوم عقیده خود اشتباه نکرده و استدلالشان بردسته اول ارجح بوده است چه قتل عام و کشتار یهودیان در شان امروز بطرز بی سابقه ای شروع شده است آنهم پس از آنکه اجتماع پر قوت یهود دلهستان شتهای فداکاری خود را در نجات آن کشور چه بوسیله جنگهای چریک و چه بوسیله دیپلماتیک و غیره در پی داشته اند و در نتیجه بیست و دو میلیون یهودیان آنجا پیش از چند هزار باقی نمانده است .

نظیر این امر در کشور رومانی نیز در جریان است و در آنجا مانند قبل از جنک تبه کارانی که روان جرمشان قتل عام یهودیان است مجازات نشده و حتی پس از صدور حکم درباره آنان بانواع وسایل شکنجه میشدند و بدین طریق بطور غیر مستقیم از عملیات خلاف انسانیت آنان تشویق و تمجید میگردد و این فتنه ها امروز از قاره اروپا که شماره یهودیان و یا اشخاص قابل قربانی در آن کم شده است بقره افریقا سرایت نموده و نمونه آن در کشورهای شمالی افریقا انجام گرفت و در حالته که ترخیص کالا تأسیس نموده حاضر است کلیه امور صادراتی و وارداتی و های کمرگی را با نهایت دقت باسر وقت انجام دهد . آدرس خر مشهر داود صادق تلگرافی صادق ۶ - ۷

البته عده ای از اشخاص صالح و بیغرض و نوع پرور از حدوث این وقایع متأسف شده و با یهودیان سب دیده اظهار همدردی نمودند ولی قدر مسلم اینست که شماره این اشخاص که عموماً از روشن فکران و بزرگانند در میان جمعیت دشمن و کینه توز که فقط بواسطه سادگی آلت دست تبلیغات دیگران قرار گرفته و به عملیات فوق مبادرت میورزند انگشت شمار بوده و از جمله جلوه گیری از آنان بر نیایند و هیچ مقامی هم فعلاً در جهان نیست که بحساب خسارات معنوی و جانی یهودیان رسیدگی کرده و تبه کاران و مسئولین فجایع آنان را مجازات کند .

زیرا امروز هم حاکم تبه کاران جنک در نورمبرک ادامه دارد از این همه بستهاهای سیاه تبه کاران بیگنفر هم بجرم قتل عام یهودیان منتهم نشده است .  
از آنجائی که تبلیغات مسموم و خطرناک نازیها و همدستان آنان در تمام جهان درباره افکار ضد یهودی و بیخ و بیج و بیگنفری و بر طرف نشده است و از طرف دیگر عدم مجازات اشخاصی که در اجرای افکار و روشش کرده اند یک نوع جرئت و بردلی به بی خبران از عالم انسانیت و خدا ترسی میدهد و افکار

## بزركان يهود را بشناسيد



استان وایز مرد بزرگ سیاسی و مذهبی در سال ۱۸۷۴ در آمریکا متولد شد . نامبرده یکی از طرفداران عملی صیون نیزم و از سال ۱۸۹۳ پیشوائی مذهبی یهودیان نیویورک را بهمه داشت .

استان وایز دوست صمیمی «ولسن» رئیس جمهور اسبق ممالک متحده امریکا و عضو هیئت نمایندگی امریکا در انجمن صلح بود و ضمناً یکی از بهترین و مبرز ترین سخنرانان امریکائی بشمار میرفت . نامبرده «رئیس کنگره یهودیان امریکا» و موسس «آموزشگاه مذهبی یهودیان» و «کنسای آزاد» بوده و چندین مرتبه به ارض اسرائیل مسافرت نموده است . (ر. خالبری)

شیطانی را در آن قوت میخشد بنظر بعد نیرسد که دامنه این عملیات توسعه ییاد کرده و به بسیاری از ممالک متدین و مترقی هم سرایت کند ضعف اقتصادی و معنوی یهودیان که زاده جنک و تحمل مشقات فراوان است نیز باین مقصود کمک فراوانی میکند بنابراین آنانیکه واقعا خود را مخالف کشت و کشتار بی دلیل دانسته و واقعا حامی ضعیفا بوده و نسبت به ملل کوچک حسن نیت دارند نباید هر چه زودتر وسایل محافظت این قوم را در تقاطعی که بیم آن خطر میرود تهیه کرده و بهر وسیله ای هست حیات آنرا یک مرتبه برای همیشه تأمین نمایند .

اینها حرفهای است که تا کنون بسیار گفته شده است و این مرتبه هم فقط گفته میشود و با قرب احتمال کسی به آن گوش نخواهد داد و بنابراین باید در انتظار آینده مشکوک و خطرناکی نشست تا خدا چه خواهد . (کرمانیان)



# در بهشت قله قاف

## آقا آنچه در مستراب (مستراح) گفتی بسرت باشد

... پس از چند ساعتی گردش و مشاهده و برآیندهای آندهمکه و قدر و بریشانی و وضعیت کیف و رقت انگیز اهالی پیر آسیابان گفت برویم بدیدن کد خدای تازه و تبریکی هم بگوئیم .

وارد مجلس شدیم . دیدم اطاق بزرگی بر از اهالی ده که همه منظم و مؤدب نشسته اند و کدخداهم در صدر مجلس بمتکالی تکیه داده و در جواب تهریکات مردم بادی در کلو میبچند و چند کلمه مبنی بر تمارف و خوش آمد باشغاس میگویند .

ما هم تهنیتی گفتیم و برای مشاهده مناظر تازه سراپا چشم و گوش شدیم . در اینوقت شخص دانشمندیکه منتصب کدخدائی بود با نوکر خود وارد شد تبریکی گفت و وظیفه احترام را بجسا آورد و در بهاری کدخدای نشست . او کر دانشمند نیز بنوبه خود پیش رفت و به کدخدای گفت « قلباً تبریکات صمیمانه خود را برای اینروز مبارک و موفقیت شما تقدیم میکنم و امیدوارم که وجود شما مرجع خیر و سبب ترقی و سعادت اهالی ده شود و همیشه باموقیت های خوشبختی بر سر شما سایه بکسترد . این عبارات از دهان یک نوکر بسیار مورد بسفد حضار قرار گرفت همه او را تحسین و تمجید نمودند .

مانند اکثر مردم امروز که حتی برعکس هم حسادت میورزند حس سادت کدخدای تحریک شد و پیش خود گفت « نوکر یکی از اهالی ده اینطور فصیح و جذاب تبریک بگوید ولی نوکر خود حتی یک کلمه هم نگوید . پس باید نوکرم را وادار کنم که جملاتی بهتر از این شخص بگوید » بنا بر این مجلس را رها کرد و به بهانه رفع حاجت بیرون رفت و با صدای بلند از نوکر خود آفتابه خواست .

نوکر کدخدای آفتابه را بر کرد و پشت سر ارباب روان شد . کدخدای به نوکر خود گفت شنیدی که نوکر دانشمند با چه عبارات تشنگی بن تبریک گفت که همه بسندیدند میخواهم توهم وارد مجلس شوی و همان جملات را بین بگوئی .

نوکر گفت قربان نمیدانم چه گفت کدخدای گفت چند مرتبه برای تو میگویم

تا یاد بگیری . و چند مرتبه با عبارات سر و پا شکسته جملات نوکر دانشمند را برای نوکر خود تکرار کرد تا یاد گرفت پس از رفع حاجت کدخدای وارد شد و منتظر نثار تبریکات و دعا و تنای نوکر خود چشم پدر دوخت .

نوکر بیچاره که مانند نفع پرستان نوع پرور دروغی امروزی دچار مرض فراموشی بود کلبه عبارات کدخدای را فراموش کرد فقط کلمه « سر » را یادداشت کدخدای از صدر مجلس به نوکر بیچاره اشاره میکرد وارد شود و تهنیت خود را بر عرض برساند و فضل خود اربابش را بر رخ حضار بکشد .

نوکر تیره روز از نسیان خود و اشاره های متوالی ارباب دست و پای خود را کم کرد و در حالیکه آب دهان خود را می بلعید وارد مجلس شد و با عجله گفت « آقا آنچه در مستراب گفتی بسرت باشد » یکباره حضار بخنده افتادند و مجلس بهم خورد که در نتیجه شرمندگی کدخدای و تویخ و شاید اخراج نوکر بیچاره رخ داده . پیر مرد آسیابان دست من و رفیق را گرفت و از مجلس خارج شدیم و گفت اینهم درسی بود تا بدانیم نفهیده تقلید کردن شرمساری و حقارت در عقب دارد . امروز عده زیادی از مردم یافت میشوند که بنا بر حسادت یا خود خواهی نمیتوانند گفتار و رفتار دیگرانرا بهتر و بسندیده تر از گفتار و رفتار خود به بینند . اگر دیدند کسی در جامعه برجسته میباشد و یا دارای مقام ارجمندی است یا در قسمتی پیشرفتی نموده است از ابراز حسادت نمیتوانند خودداری کنند و بنا بر این بدون داشتن لیاقت و مایه ای میکوشند مانند آن کدخدای از دیگران تقلید کنند . البته نتیجه چنین تقلیدی رسوائی و شرمساری است .

حال ای فرزندانم شما را نصیحتی میکنم هیچوقت بملیکه شایستگی آنرا ندارید اقدام نمایشی زیرا اجرای هر عمل و اقدامی بستی بتوانائی و لیاقت شخص است خصوصاً کارهای اجتماعی اگر خواستید با اقدامی مبادرت نماید اول سعی کنید خود را آماده نماید و طریق موفقیت را پیدا کنید بعد دست بکار شوید . زیرا اگر در امری دارای توانائی نباشید چنانچه از حدود شخصی تجاوز نکنند مربوط بغد شما باشد نتیجه آن ضرر و اتلاف وقت است که

# ای امیدمن

سحر گاهان - هنگامی که اولین اشعه افق را از غوانی ساخته است من بالایی آندوهنگ در کنجی نشسته و در انکار گوناگون غوطه ور هستم بتو فکر میکنم - ای امید من - بیا و آندوه مرا خاطر من بپر .

هنگامیکه در جنگلهای تاریک و وحشتناک مانع عبور اشعه دلفریب ماه میشوند میکدرم و ناامید و حرمان سرتاسر وجود را احاطه میکند . حیران سرگردان با بنظر طرف و آنطرف میروم - ای امید من ترحم کن و همچون اشعه خورشید که از خلال شاخه درختان زمینی ظلمانی را روشن میکند تو نیز بیاد در دناک مرا روشن نما .

در این موقع که قضا و قدر مارا از هم جدا کرده است و روزگر و حوادث ناگوارش وجود را ناپدید و مرا ناامید میسازد و اشک حرمان در چشم حلقه میزند - ای امید من - بیا و قلب خونین مرا که بهر تو ملو است تسلی ده .

دو آنوقت که من زندگی پر درد و محنت بدرود گفته در دل خاک مسکن میکنم تن و روح در اطراف تو پرواز میکند . محبت و عشق تو در آن دغمه تاریک منس من خواهد بود . اگر در گوش فراداری یک ناله چانگاه یک صدای ظریف درون قبر تاریک من خواهی شنید که بتو میگوید ای امید من - تا به فراموشت نخواهم کرد .

۱ - و رکنی

بنی اسرائیل در تحت سر برستی و فرماندهی موشه حضرت موسی قسمت شرقی رودخانه بردن ( اردن ) را که متعلق به « سیهون » پادشاه قوم ( اموری ) و « هوک » سلطان قوم ( باشان ) بود بعد از چهل سال به تصرف در آورده . پیوسته در این اراضی طوایف ( رتوبین و گساد ) و نصف حطایفه ( منشه ) از طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل سکنی گزیدند . بعد از انتصاب ( یهوشوع ) فرماندهی ملت طوایف بنی اسرائیل با اتفاق جنگجویان سه طایفه فوق الذکر از رود بردن عبور کرده و بمکانی موسوم به ( کیلگال ) رسیدند .

خبر رسیدن سپاه منصور و مظهر بنی اسرائیل در تمام سرزمین فلسطین حکه در آنوقت بواسطه وجود قوم « حکننی » بنام کنعان مشهور بود پیچیده و سلاطین بیشمار و اقوام آسانرا سخت بوخت انداخت بطوری که روحیه خویش را از دست دادند .

اولین شهری که از این سر زمین بدست ( یهوشوع افتاد ) شهر « یریحو » یا شهر نخلستان بود و بعد از جنگهای زیاد و شددید شدند که بقیه اراضی کنعان را نیز بتصرف در آوردند .

اغلب ساکنین این نواحی اماکن خود را رها کرده و بخارج حرکت کردند و فقط قسمت کوچکی از آنها تحت سلطه بنی اسرائیل در شمال کنعانت باقی ماندند اراضی منصرفه بطوایف دیگر بنی اسرائیل که هنوز زمین به آنها داده نشده بود تقسیم شد .

طوایف یهودا و شمعون و بنیامین و دان در جنوب کنعان ساکن شدند و طایفه ( افرایم ) در مرکز سکنی گزید و قسمت شمالی آن سرزمین هم نصیب طوایف ( ایساخار و زبولون ) و ( نفتالی و آشر ) شد و از آن بیمه آن کشور بنام ارض اسرائیل یا کشور یهود مشهور گشت .

سرحدات شمالی



# تاریخ یهود

## ترجمه و نگارش کرمانیان

### ۳ - ارض اسرائیل « کشور یهود »

و اثار و زبوتن میشود و بدین واسطه آنکشور را سرزمین « شیر و عسل » مینامیدند .

هوای معتدل و مدیترانه ای و آسمان شفاف و نیکگون آن که کمتر ابر آنرا میپوشاند طبعاً ساکنین آنرا خوش ذوق و تیزبین و با هوش بار آورده و آنانرا برای کسب موضوعات جدید آماده میسازد بارانهای مرتب و منظم - گلپای رنگارنگ و زبیا میوه جات و معصولات طبیعی با سرسبزی و خرمی گوهستان ها و جنگلهای دست به دست داده ساکنین آنرا به طبیعت و کار مربوط بان مانوس و علاقمند میسازد بطوریکه اغلب و شاید همگی بکارهای طبیعی از قبیل فلاحت و کله داری مشغول بوده اند مردم آن دیار عموماً بسیار قوی هیکل و تندرست و باهوش بوده اند بطور قطع اینکه بشمارات زیادی از این سر زمین برخاسته اند اتفاقی نبوده و بواسط مناسب فوق الذکر مربوط میباشد .

بقیه در صفحه ۳۳۵

ترجمه همدان امیر تنی رفیعی

بقلم « ادموند فلک » شاعر فرانسوی

### چرا من یهودی هستم

من یهودی هستم برای اینکه از اسرائیل تولد یافته و او را ترک کرده ام ، و احساس می کنم مرا بیش از آنچه زنده هستم حیات می بخشد .

من یهودی هستم برای اینکه از اسرائیل متولد شده و او را باز یافته ام ، و پس از مرگم زندگی حقیقی را از آن خواهم داشت .

من یهودی هستم برای اینکه عقیده اسرائیلی هیچگاه از منز من خارج نمیشود .

من یهودی هستم برای اینکه محبت اسرائیلی تقاضای هرگونه فداکاری را از روحم میکند .

من یهودی هستم برای اینکه در دوره که آوازه وحشت و ناامیدی شنیده شود یهودی امیدوار است .

من یهودی هستم برای اینکه در تمام تقاطعی که اشک و بدبختی است یهودی متأثر شده و برای آن گریه می کند .

من یهودی هستم برای اینکه مذهب یهود هم قدیمی و هم جدید است .

من یهودی هستم برای اینکه دنیای اسرائیل هرگز یابان ندارد و مردان بزرگ روز بروز آنرا کاملتر میکنند .

من یهودی هستم برای اینکه فقط یک تن در ایجاد اسرائیلی شرکت نکرده است بلکه مردان بزرگی در خلقت آن سهیم بوده اند .

ارض اسرائیل را کوههای لبنان « لبنان » که دائماً از برف پوشیده است احاطه نموده است در قسمت مغرب آن دریای مدیترانه واقع شده و از جانب جنوب و مشرق بیابانهای عربستان و سوریه آنرا احاطه کرده است رود بردن از کوههای لبنان سرچشمه گرفته و بعد از پیودن از شمال تا جنوب ارض اسرائیل وارد بحر البیت میشود .

ارض اسرائیل کشوری است کوهستانی که طبعاً دره های بزرگی کوههای آنرا از هم جدا میسازد معروفترین کوههای آن در مرکز کوهستان افرایم و در جنوب کوهستان یهودا است و مشهورترین دره های آن دره ایزرعل « عتق ایزرعل » و شارون و ( شیفلت هیردن ) میباشد .

بارانی که تقریباً در تمام فصل زمستان میبارد و چشمه های آب جاری در کوهها و دره ها باعث ازدیاد محصولات مخصوصاً گندم و جو و فراوانی انواع میوه جات از قبیل انگور و انجیر و اثار و زبوتن میشود و بدین واسطه آنکشور را سرزمین « شیر و عسل » مینامیدند .

هوای معتدل و مدیترانه ای و آسمان شفاف و نیکگون آن که کمتر ابر آنرا میپوشاند طبعاً ساکنین آنرا خوش ذوق و تیزبین و با هوش بار آورده و آنانرا برای کسب موضوعات جدید آماده میسازد بارانهای مرتب و منظم - گلپای رنگارنگ و زبیا میوه جات و معصولات طبیعی با سرسبزی و خرمی گوهستان ها و جنگلهای دست به دست داده ساکنین آنرا به طبیعت و کار مربوط بان مانوس و علاقمند میسازد بطوریکه اغلب و شاید همگی بکارهای طبیعی از قبیل فلاحت و کله داری مشغول بوده اند مردم آن دیار عموماً بسیار قوی هیکل و تندرست و باهوش بوده اند بطور قطع اینکه بشمارات زیادی از این سر زمین برخاسته اند اتفاقی نبوده و بواسط مناسب فوق الذکر مربوط میباشد .

بقیه در صفحه ۳۳۵





اداره نمایندگی یهودیه  
پالکور

لندن. در طی يك جلسه مجمع آسیائی امپراطوری مستر « کیت روج » فرماندار سابق اورشلیم از اقدامات و مساعی جنگی یهودیان فلسطین تمجید نمود و چنین گفت که حتی یک نفر از روشن فکران عرب هم در ارتش بریتانیا وارد نشد و اشتباه بزرگی بود که اجازه داده نشد یهودیان تحت پرچم ملی خویش از ابتدای جنگ در آن شرکت کنند « موقعیت جنگی ما خیلی مناسب تر

و مهمتر شده بود اگر ما این اجازه را برای ایجاد سپاه مستقل یهود در سال ۱۹۳۹ بجای ۱۹۴۴ آنهام با تردید زیاد میدادیم » مستر کیت این موضوع را نیز فاش کرد که دوازده سال قبل از اعلان جنگ اعراب بطور خیلی شدید برای آهمن بین فلسطین و مصر خسارت وارد آوردند بطوری که پس از شش ماه تعمیرات و وسیع باز هم کاملاً قابل استفاده نبود.

واشنگتن. « کنفرانس بین الللی مسیحیان » که در واشنگتن منعقد شد تصمیمی اتخاذ نمود که بر طبق آن فلسطین باید یک کشور یهودی مبدل شود کنفرانس مزبور برای این عمل کتبه ای موسوم به « کتبه جهانی فلسطین » انتخاب نمود « مستر البورت فلاول » از کانادا بریاست این کتبه برگزیده شد و اعضا آن عبارت از سناتور امریکائی موسوم به « ربرت ف واکتر » و مادام « لرن وینگیت » زوجه ژنرال مشهور بریتانیائی که در برمانی کشته شد و سناتور « ویدلا » از شیلی و « سناتور آتونوگاستر » و لیل « از مکزیک می باشند ادارات و دفتر مرکزی این کتبه و خود کنفرانس در واشنگتن خواهد بود.

تل آویو. بنا بدعوت دولت انجمن شهرداری تل آویو فوراً جلسه ای تشکیل دادند تا بیانات کبیر عالی فلسطین را بشنوند نامبرده باتفاق ژنرال کاندان لشکر ششم هوائی و یک ژنرال دیگر و نمایندگان شخصی دولت وارد سالن عمارت شهرداری شد.

مستر « شاول » کبیر اظهار داشت که خیلی متأسف است از اینکه تل آویو را بدین صورت مشاهده می کند و ادامه داد که واضح است که حرکات جدید غارت و آتش زدن و خراب کردن ساختمان های دولتی و مغازه های شخصی غیر قابل تحمل است از کشته شدن افراد اظهار تأسف میکرد و میگفت اگر مردم حس تعدیل و مسئولیت نداشته باشند شاید قربانی ها و بفرزونی خواهد گذاشت اومی دانست که شهرداری مخالف اقدامات این عناصر غیر مسئول اجتماع می باشد از شهردار خواهش می کرد که مساعی خود را برای روشن کردن اذهان مردم بکار برد مستر شاول مطبوعات تل آویو را متهم میکرد که در این باره خیلی مردم را تحریک نموده است.

مستر « روج » شهردار تل آویو در جواب وی بترتیب اظهار داشت شهرداری تل آویو مطبوعات را که کاملاً آزادند کنترل نکنند در بسیاری از موارد اگر پلیس از ابتدا و بموقع دخالت می نمود دعوا اصلاً شروع نمیشد کبیر عالی از حس مسئولیت و نافرمانی مردم صحبت نمودند ولی نباید فراموش

ان فلسطین خبر میدهد:

کرده که این حس نافرمانی و بی رضایتی یهودیان از سال ۱۹۳۹ که کتاب سفید منتشر شد و در حقیقت مانع توسعه کارهای مادر فلسطین گشت شروع شد موقعیکه جنگ شروع شد ما حاضر نشدیم و سایل دفاع خود را تشکیل ناییم اما سی هزار سرباز جوان و جنگجویی که حاضر بودند گرانها ترین دارائی خود را که برای خود و میهنشان بکار میرز یعنی جان خود را فدا کنند مقامات ملی بزودی در باره بیانه مستر بوین اعتراض خواهند کرد ولی ما که در موقعیت ها و مواضع مقدم ملت یهود جای دار ( البته ملت یهود نه جامعه یهود چنانکه وزیر امور خارجه شما گفته است ) ما اعلام می داریم که بیانه بوین روح عمل صیونست را می کشد و ما هیچ رضایت نخواهیم داد که بشکل اقلیت در اینجا زندگی کنیم ملت ما قریباً اساس نازی ها بوده ولی این جنگ هم آزادی ما را تامین ننمود و مضحک نیست که اکنون ما باید انگلیسها و امریکائیان را قانع کنیم که یک مین یهود در فلسطین ضرورت دارد ؟

نیویورک. روزنامه « نیویورک اسان » در باره بیانه بوین می نویسد که این بیانه هیچ چیز را تغییر نداده و هیچکس را راضی نکرد علاوه بر ضربت بزرگی هم بصیونسم وارد آورد اگر وزرای امور خار انگلستان و امریکا موضوعات مربوطه بسطه فلسطین را نمی شناسند و تحقیقات مقدماتی لازم دارند مقتضی است اجازه دهند عده زیادی کارمندان آن وزارتخانه ها باین عمل مبادرت نمایند.

نیویورک. محافل یهودیان غیر صیونست موافقت خود را اجازه ورود فوری یکصد هزار نفر یهودیانی که قتل در بازداشتگاه آلمان محبوسند اعلام داشته اند.

پوگروم در قریولی

بعد از اغتشاشات قاهره و اسکندریه بواسطه بی احترامی نسبت تورات مقدس از طرف ریاست علمای مذهبی مصر در روز ۲۰ روز عموماً برای یهودیان اعلام شده بود و پیشوایان مذهبی یهودیان جهان در فلسطین دکتر هر سوک و ربی عوزیل نیز بیامی مبنی بر اظهار همدردی و احسان خود بانجمن یهودیان مصر فرستادند اما اینک خبر یافتیم که فتنه های یهودی شدید تری در قریولی از طرف اعراب بظهور پیوسته و در ۷۴ کشته و ۱۸۳ زخمی یهودی برجای مانده است در مقابل از اعراب ۳۶ نفر زخمی شد این پوگروم باعث رعب و هراس و شدیدی بوده است.

از بازداشتگاه « بسن » خبر می دهند که سازمان تعاونی تمام اطفال یهودی را که در این بازداشتگاه زنده مانده اند در کتاب « قرن قیمت » نام نویسی کرده است و هر طفلی یک تصدیقنامه مبنی بر آن یک درخت بنام خود در یک جنگل قرن قیمت در فلسطین کاشته است و بنوده است. بقیه در صفحه ۳۳۵

بحث اجتماعی

دوشیزگان عزیز!

شما هم بی تقصیر نیستید

چه بسیار دیده ام که شما دوشیزگان عزیز هر وقت از مدرسه یا گردش و بالاخره از خیابان چهره نازنینتان میماند و ازدست جوانان هرزه شکایت میکنند. دیده ام که گاه و بیگاه نزد فامیل و دوست دست بکله بر میدارید و زبان بنا ساز می کشاید و میگویید « امانت از دست این بصرهای لات بیکبار نشد از خیابان بگذریم و از این بی تربیتها حرف مفت شنویم. بد اخلاقها آدم را از خیابان رفتن هم منزجر میکنند » اینها همه را راست میگویید اما... بکجی زرافراموش کرده اید و من آنرا برایتان خواهم گفت و آنهم اینست که شما هم در این موضوع بی تقصیر نیستید!

برای زنان

چکیدن دانهی آب در روز بارانی و زن ستیزه جو مشابه اند هر که او را باز دارد مثل کسی است که با دریا نگاه دارد (سلیمان پادشاه)

اگر شوهرت دست تنگ شد با تنگی او بساز و توقع بیشتر از او مکن.

در مجلسی که نشسته ای زبان بدمت شوهرت مکشا و لو شخص بسیار پستی باشد.

طفلت را از لولو - آدمغوره و این گونه مزخرفات نترسان - از اشباع و دلیر بار آور.

آنچه را که شوهرت دوست میدارد ولو بظاهر معترض شوار.

در روزهای بلند تابستان وقت را غنیمت شمرده و مسائل راحتی زمستان خود و خانواده ات را فراهم ساز.

تصرف و تعجیب زیاد از اقوامت نزد شوهر مکن.

در مکانیکه چند نفر نشسته اند سر آن یکی را جلومکش که چیزی بگوشش بگویی این حرکت ناشایسته است.

اولین کار صبحگاهت آماده کردن چراغ شب باشد و شب حاضر نمودن وسایل صبح.

چنانچه دختر متوالترین کسان باشی تکبر مکن زیرا زن متکبر و خودخو زود از چشم شوهر میافتد.

در زمستان و مسائل راحتی تابستان را خوار شمار و در تابستان گرمی و منقل را بسایهیتی برت مکن « در - خالبری »

در سنین ۱۸ تا ۲۵ بعد اعلا در انسان وجود دارد. در غالب کشورها دختران و پسران را از کودکی با هم بزرگ میکنند. در کود کستان با هم، در دستان با هم، در دانشکده با هم، در گردش و تفریح و ورزش با هم و در اجتماع با هم هستند باینکه بیکر آمیزش و مغالط دارند و در نتیجه این اختلاف را کمتر حس میکنند و بهم با چشم اعجاب نمینگرند اما در اجتماع ما اینطور نیست جوانانیکه امروز در گوشه و کنار مزاحم شما میشوند و در رهگذرها و ملا عام بر سر راهتان میایستند و بلبل زبانی میکنند و با آنها که جور ترند عملی سفیخ تر مرتکب میشوند از کوچکی مجبور بدوری از جنس مخالف بوده اند. در مدرسه تنها، در خانه جدا، در بازی جدا، در ورزش جدا، در اجتماع هم تا امروز جدا بوده اند. من همین سال مدرسه معتطلی را دیدم که پسران و دختران کوچک را مجبور میکنند سر کلاس از هم جدا بشینند و اجازه نمیدهند با هم بازی کنند و بالاخره بقیه در صفحه ۳۳۱

پنی سیلین

اهمیت مخصوص و شایانی که پنی سیلین در دنیای طبی امروزه پیدا کرده بیشتر مربوط باین نکته است که ( مانند بعضی دارو های دیگر از قبیل کین و غیره ) این دارو مستقیماً در روی خود میکرب اثر کرده و بیمار را از شر آن میکرب خلاص میکرداند.

تاریخ کشف پنی سیلین - در سال ۱۹۲۹ یک نفر پزشک انگلیسی بنام دکتر فلینک مشاهده نمود که در قسمتی از اوله های کشت میکرب، ابدأ میکرب نو نکرده و میکربهای معمولی هم که قاعده تمییزی در لوله باشند در آن قسمت از بین رفته اند ببارت آخری هیچگونه میکربی در آن قسمت دیده نشد ب علاوه در روی آن قسمت یک نوع کیک سبز رنگ مخصوص پیدا شده است فلینک از این مشاهده خود باین موضوع پی برد که کیک نام برده دارای خاصیت ضد میکربی شدیدی میباشد لذا تجربه خود را دنبال نمود تا اینک در سال ۱۹۴۰ موفق شد که عصاره ثابتی از این کیک بدست آورده و آنرا پنی سیلین نامید و همین دارو است که دارای خواص معجز آسایی در معالجه بسیاری از امراض دارد

اثرات ضد میکروبی پنی سیلین پنی سیلین موثرترین و توانا ترین داروئی است که تا کنون در عالم طبابت کشف شده است و بقدری اثرات این دوا معجز آساست که پزشکان طب و شیمی را بتعجب در آورده است - پنی سیلین مایع از نفو و نمای میکروب های حساس میکردد و بطوریکه در

محلول ..... پنی سیلین میکروبهای گنوکک - و استافیلو کک نمیتواند زندگی و نشو و نما نمایند - طریق تاثیر این دارو بدین طریق است که مانع توالد و تناسل میکربها میشود بطوریکه همه میدانیم سبب بروز بیماریها ورود میکرب در بدن است که

بمبدأ تکثیر پیدا میکنند اثر جالب این دارو اینست که مانع تکثیر و توالد و تناسل میکربها میکردد - هیچکدام از انساج و ترشحات داخلی بدن باستثنای صیر مده تاثیر در روی پنی سیلین ندارد و نمیتواند آنرا فاسد نماید پنی سیلین میکربهای : استرپتوکک - استافیلو کک - منن گو کک - کنو کک - با سیل دیفتری با سیل شاربین - اکتی نومیکرز - تریپوم سیفلیس - ویروس پسی تا کوز ویروس تراخم - با سیل تناوز - ویروس برقان نرف الدمی را بکلی کشته و از بین میبرد و بنا بر این بیماری های تب رخمی - باد سرخ - استومیلیت - کنکیرک - سوزاک - سیفلیس - کراز - منژیبت - ذات الریه - قانقرای گازی - سیاه زخم - دیفتری - تب راجمه - تب برقان نرف الدمی - تراخم - قره قرینه - مرض نیکلا فاور - ذات الجنب چرکی - ورم مفاصل چرکی - دملهای ریه و کبد و سایر زخم های چرکی را بهبود میدهد - اخیراً دارو دیگری از ترکیبات پنی سیلین مورد آزمایش میباشد ترکیب اخیر قادر است تمام میکربهای سل را در یکساعت از بدن برده و بنا بر این سل را در یکروز درمان نماید کتر کامروا ( دکتر پاشار سابق )



دوشیزه زیبا و کوتاه قدی که اغلب اوقات او را میدیدم، دخترکی بود بسیار خوش اندام و خوش مشرب و بذله گو که در سن سه سالگی پدرش او را ترک نموده و بدینار عدم رفته بود و از آن پس تربیت و پرستاری او را مادرش بعهده گرفته بود.

مادر بیچاره نیز تا حد امکان از او پرستاری میکرد و او را نوازش مینمود تا پس چهارده سالگی رسید. در این هنگام غرور جوانی او را مست و مغرور نموده بود و مانند اغلب دوشیزگان هم سن خود خودسر و کله شق بار آمده بود.

یکروز بر حسب تصادف، او را که همیشه هنگام کودکی نزد من میآدم مشاهده کردم و زبان به نصیحت او گشودم و گفتم: ایدختر قشنگ تو که بهنگام کودکی مغرور و خودپسند نبودی و همیشه نصایح مادرت را با کمال میل میپذیرفتی، چه شد که یکمرتبه تغییر عادت دادی.

در جوابم گفت: طبیعت اینطور حکم میکند.

گفتم: طبیعت ساده دل میگوید که تو از او امر مادر سالخورده و تجربه دیده ات سرپیچی کنی و خود را بدام بلافکنی.

ابرو درهم کشید و گفت: مگر چه کرده ام که بدام بلا گرفتار شوم.

تو هنگام شب خود را خیلی زودتر از موقع حقیقی آن شروع کردی و بچوانی خویش مغروری و همین کبر و غرور، ترا دچار بلائی بزرگ خواهد کرد و هنگامی از خواب گران بیدار خواهی شد که هیچگونه روزنه امیدی برایت باقی نمانده باشد.

چهره عبوس کرد و گره بر پیشانی انداخت و گفت: مگر چه کرده ام که شما اینگونه سخنان درشت و تند میگوئید.

خودت هم نیدانی و اکنون هم ملتفت نیستی زیرا بدون تفکر و تعقل دنبال امیال و خواهشهای نفسانی خود میروی و بر عاقبت شوم آن نمیاندیشی.

منکه هر چه فکر میکنم، کاری که خلاف امر طبیعت باشد انجام نیدهم.

اعمال و رفتار تو بخیال کوچک خودت روشی است طبیعی و انحراف کوچکی هم در آن نیبایی ولی سعادت تو و امثال تو برای همین انحرافهای جزئی که بقول شما غیر قابل رعایت است تیره میشود. روتورش کرد و گفت: اگر بخواهید

بگفته های بی سروپن و اراجیف مردم گوش دهید، اگر فقط بخواهید حرف عوام را مدرک قرار دهید، اشتباه بزرگی کرده اید زیرا اغلب برای دختران هم سن من حرفهای نظیر همین گفته هادر افواه مردم شایع است و ما همیشه نسبت باین گفته های بی اعتنا و خونسرد هستیم.

تصور میکنید که همین گفته ها آینده شومی برای شما بیار نخواهد آورد؟

بی پروا گفت: نه.

و آنچه را که بچشم دیده ام چطور؟

لبخند زده و گفت: بفرمائید.

گفتم: البته از صحبت های من کسل و رنجیده نخواهید شد.

خیر.

این عیوب کوچکی که برایت شرح میدهم باعث تنفر عموم و سبب دوری اشخاص فهیمه و سالخوردگان است.

چست... بفرمائید...

هنگام راه رفتن در خیابان، باین و آن نگرستن چشم بچشم جوانان دوختن، تلو تلو خوردن، بی جهت بی دربی جلو و تیرین مغازه ها ایستادن، جواب حرفهای جوانهای هرزه را دادن و دائم باینطرف و آن طرف خیابان رفتن.

تسمی کرد و گفت: اینها که چیزی نیست.

خنده های بی مورد نمودن، نگاه های خیره کننده بر سایر جوانان انداختن، دست در دست رفقه ها گذاردن و نصف پیاده رو را تصاحب نمودن، هنگام راه رفتن بلند بلند صحبت کردن و قاه قاه خندیدن و این و آنرا با انگشت یکدیگر نشان دادن.

اینها که قابل توجه نیست.

سرکوجه ایستادن و با رفقه ها مجمع تشکیل دادن، غیبت کردن از اشخاص، بعا برین مخصوصا جوانان شوخ چشم متکلف گفتن و یا در مجلس دوستانه پسر و دختر یک یک را نگرستن و بی جهت خندیدن، برای هر کدام اسمی طرح کردن و زیرچشمی با نگاه های تند و زننده بدهوین نگرستن.

اینها جزء فرعیات است، از کلیات صحبت کنید.

هنگام نشست و برخاست آداب نزاکت را مراعات ننمودن.

اینها برای ما دوشیزگان اهمیت ندارد، مگر هنگام ورزش بایک شلوار کوتاهی ورزش نیکینم مگر وزارت فرهنگ اینطور دستور نداده است؟

پس چرا در کوچه و خیابان هم همانطور راه نمیروید؟

کوچه و مدرسه؟؟

مدرسه و انتظار عمومی مدرسه و دیده های ناپاک!

پس آنقدر از طبقه ذکور است.

گفتم: هرگاه دونفر زن یکی با صورت ساده

و بدون آرایش و دیگری با صورت آرایش شده بخیا بان بروند، آیا کدام یک آنها بیشتر مورد توجه واقع میشوند؟

مسلمآ آنکه صورتش آرا شده.

پس اگر شما هم نزاکت را مراعات نموده و از توالت زیاد و کارهایی که بجلف نمودن شما در انتظار میشود اجتناب نائید، هیچکس بانظر بد شما نگاه نمیگرد و تقصیر با طبقه ذکور نیست با شماست.

گفت: دیگر چی؟

باز هم بگویم.

اینها که گفتید در نظر دوشیزگان گفته های بی اهمیتی تلقی میشود دیگر دارید؟

لباسهای تنگ و بدن نما پوشیدن، دامنه های کوتاه و بسارتنگ بیا نمودن، خود را تراشیدن و از همه بدتر هنگام دوشیزگی صورت خود را رنگین کردن، های زیبای طبیعی خود را قرمز نمودن، صحبت را برید و باتند خوئی که از صفات ممتازة آنها در سن شباب است.

پس شلیته و تلبان بیوشیم، صورت خوشنوشیم، شانه بو زنییم، میدانید آونف چه میگویند، میگویند این یاروازش آمده، بن میخندند، مرا مسخره میکنند و میگویند بوئی از تمدن بشامش نرسیده آدم کج سلیقه و بی خبری است.

نه نه اشتباه نکنید، یکی از مهم وظایف دوشیزگان و بانوان سنی در این ایسه و بدن است و باید حتی البتة پوشیدن لباس و نظافت خویش کوشش کنید: پس شما می گوئید لباس نپوشید؟

لباس تنگ پوشیدن با لباس پهن کردن مربوط نیست و صورت پاک

# سازا

و با دیده سیاه و کثیف ارتباط ندارد.

پس دست از دنیا بشوئیم و بکنج منزل بنشینیم... دوروز دیگر زنده ایم و چیزی که برای ما میماند همین خوشی چند روزه است.

گفتم خیر. همینطور که وقت گرانبهای خود را مصروف تزئین و آرایش خویش می نائید همان طریق هم مصرف کارهای خانه نائید ولی البته هر کدام بوقت علییده.

دایم نیستود در خانه ماند، باید در این دوروز عبر خویش، خوش پوشید و خوش نوشید و خوش راه رفت، خندید و رقصید. خلاصه خوش بود.

هنگام تفریح را از خانه داری مجزا نائید.

خیلی خوب، مقصود از این صحبتها چیست؟

هیچ میخواستم بگویم که لب برنگاه مخوفی قرار گرفته ای، اگر کمی درنگ و یا غفلت نائی وسیله تیره روزی خود را فراهم خواهی کرد.

با تشدد و تفریح تکرار کرد و رفت: برنگاه مخوف... تیره روزی

مدتها بود او را ندیده بودم، خیالی کردم که شاید از گفته های من دلگیر شده و یا مرا مانع سعادت خود دانسته است ولی باز میگفتم پس چرا او را در گوشه و کنار نمی بینم، او که همیشه در خیابانها ولو بود صبحها و عصرها با لباسهای تنگ و بدن نمای خویش در خیابان اسلامبول و لاله زار پرسه میزد، چه شد که همه را یکمرتبه ترک کرد. آیا ممکن است که بیسافرت رفته باشد... آیا ممکن است در شهر دیگری سکنی نموده باشد... خیر... نه این خیالات بی فایده بود زیرا او عروستی کرده بود.

او را با شوهرش هنگام عبور از خیابان لاله زار دیدم، شوهرش دائم ابرو درهم میکشید و باین و آن مینگریست. دخترک از خجلت سرخ میشد و دیده زمین میدوخت و عرق خجلت و شرمساری از جبین میریخت. تصور کردم شاید از دیدن من در او تغییر حالت پدید آمده. بسرعت از آنکان دور شدم و در پی افکار خود رفتم.

چند روز گذشت، موقعی که بمنزل وارد شدم، کلفت خانه پاکتی سرکشاده بدستم داد و گفت: این کاغذ را زنی لاغر اندام برای شما آورد، با تعبیر پرسیدم چگونه آدمی بود، چشمهایش را بن دوخت و گفت آثار غم و اندوه از صورتش نمایان بود، موهایش پریشان، چهره اش رنگ رفته و لباس سیاه بتن داشت. هرچه اندیشه نمودم، چنین کسی بخاطر من نرسید، روی پاکت را نگاه کردم سفید بود، هیچ نام و نشانی روی آن دیده نیشد، خواستم آنرا بکشایم، ندای وجدان ممانعت می نمود، عاقبت طاقت نیآوردم و سر پاکت را گشودم، کاغذ بلندی در آن یافتم، نوشته اش نا زیبا و بد خط بود و معلوم بود که صاحب خط آنرا در حال اضطراب نوشته است و پس از خواندن مکتوب هم معلوم شد که دو مرتبه هم آنرا مرور نموده، بذیل ورقه نگاه کردم، فقط امضاء کوچکی دیدم... سارا.

ناگهان خاطرات گذشته بسرعت از نظرم گذشت، پس از کمی تفکر یاد او افتادم و گفتم: صاحب این مکتوب همان دخترکی است که چندی قبل باشوهرش دیدم و سپس شروع بخواندن نامه کردم:

«گناه از من است... فقط از من، آری خودم باعث بدبختی خودم گشتم، بارها در دوره پر شور جوانی همگامی که پرو بالی داشتم و آزاداته باینطرف و آنطرف میریدم همه بن میگفتند سارا، دست از لجباجت و خودسری بردار، این کارها عاقبت خوبی ندارد، روزگار سعادت ترا تباہ خواهد کرد.

ولی من بحرف هیچکس گوش نیدادم و بزرگتری نداشتم که مرا راهنمایی کند، سرپرستی نداشتم که مرا بزور از این کارها باز دارد، ببیل خود، باراده خودم پشت پا بسعادت خویش زدم، پیش خود حدس نیزدم که بچنین مصیبتی گرفتار خواهم شد، میگفتم دنیا دو روز است و باید خوش بود

«تمام وسائل تجمل، لباسهای شیک و آخرین مد، پیراهن های سینه باز و کوتاه، دامنه های تنگ و بدن نما، همه هه از آن من بود و گله گاه همسایه ها بن میگفتند: سارا... سارا... تو اکنون نمی فهمی، جوانی ترا ساخت مغرور کرده است ولی من بحرف هیچکدام گوش نیدادم و میگفتم اینها همه دروغ است و میخوانند وسائل بدبختی مرا فراهم نائید، آه چه خیالات بیجانی!

«هنگامیکه بسن ده و دوازده سالگی رسیده بودم، در خیابانها و کوچه ها، در معاشر عمومی جلو انظار مردم،

مانند دخترکی خوردسال جست و خیز میکردم و باین و بان شوخی مینمودم. از هیچکس حتی مادرم ترس و واهمه نداشتم ولی از دور و نزدیک می دیدم و می شنیدم که میگفتند، چه دختر لوس و بی مزه ایست، چه دختر خودسر و مغرور ایست.

چندسالی گذشت، قدم بلند و صورت من سرخ شد، آب و رنگی گرفتم، همان آنها میگفتند: چه دختر زیبایی، آنوقت من بخود مغرور میشدم بیشتر بخود می بالدم و میگفتم به بین سال گذشته در باره من چه میگفتند و وامسال چه میگویند آه... باعث بدبختی من همین کبر و غرور شد.

بارها آشنایان دور و نزدیک بآدم میگفتند: دخترت خیلی لوس و هرزه شده، خیلی جلف و سیکس است، چاره بیاندیش والا... خودت عاقبت آنرا بهتر میدانی مادرم در جواب همه آنها ابرو درهم میکشید و رو ترش کرده پر خاش کنان میگفت، تقاضای زمان و دوره او ایست، باید او را بجال خود گذارد و الا دختر چشم و گوش بسته خواهد شد و دست چپ و راستش را نخواهد شناخت... اطفال را بگذارید بقضای زمان و بطبیعت خویش بزرگ شوند. بالاخره همسایه ها غمین و دلگیر از پیش مادرم میرفتند و در جوابش سکوت مینمودند.

«میدانم خیلی سرت را درد آورد ولی... ولی بگذار هرچه در دل دارم بزبان آورم و بتو... ای ناصح عزیز، تو که همیشه سرا نصیحت میکردی و من در جوابت ابرو درهم میکشیدم و گره بیشانی میانداختم و از تو چند روزی قهر مینمودم بگذار... اجازه بده... هرچه دارم بگویم و برایت تعریف کنم.

«آری من بگفته های همه بی اعتنا شده بودم ولی امروز همان جوانها که باعثهای دروغی خویش مرا اغفال مینمودند و برای ربودن بوسه ای، روزها مرا تعقیب میکردند ز درعوض نیکی یاداشم رایبیدی میدهند ری اخلاق و رفتار آدمیزاد همین طور است یاداش نیکی رایبیدی خواهد داد... ولی... نیدانم آباخودایشان میدانند که باعث بدبختی من شده و خواهند شد یاخیر...

«بارها شوهرم هنگامی که بخانه میآدم صورتش سرخ و چشمهایش همچو کاسه خون بود و باخشم و غضب، از تزار و تنفر بامن صحبت میکرد ولی میدانم اکنون خواهی

بقه در صفحه ۳۳۴

۳۳۹



# صدائی که از قبرستان بیرون میآید!

مجله «صدای متحد فلسطین» چاپ نیویورک موضوع مؤثر ذیل را چاپ نموده است.

حییم ریئوتیس که سابقا در شهر لندز لهستان کارخانه نساجی داشته و امروز در قبرستان یک بازداشتگاه واقع در ایتالای جنوبی محبوس است بدین ترتیب صحبت میکند.

«من مایل نیستم بهلستان بازگشت نیایند و نمیخواهم که اولاد من هم بآنجا برگردند و از انتهای قبر خود این پیشنهاد را رد نکنم. مگر آنچه که ماقبل از هیتر با آن مواجه بودیم آنهم بستن و شکنجه ها کافی نیست که مرا مطمئن سازد که آتی سومی تیسیم قدیمی امروز خصوصا پس از کسب دستورات جدیدی از آلمانیها تازه بصورت جوان جدیدی درآمده است؟»

## روانشناسی

### اهل کارید یا اهل اندیشه و تعمق؟

شنا ساهی منش افراد از ازمته بسیار قدیم تا کنون مورد بحث روانشناسان بوده است.

بقرات و جالینوس اختلاف منش افراد را نتیجه اظهار چهار خلط و غلبه یکی از آنها میدانستند. ولی امروز علمای روانشناسی مردم را بدو گروه تقسیم نموده اند ۱- اهل کار یا اهل برون ۲- اهل اندیشه یا اهل درون.

برای اینکه بدانیم مردم از کدام گروهند یکی از روانشناسان امریکا پرسش های زیر را تهیه کرده است.

- ۱- آیا باهده معدودی معاشرت و دوستی میکنی؟ ۲- آیا بشما زود برمیخورد؟
  - ۳- نسبت بر رفتار دیگران بدگمان هستی؟ ۴- آیا از اجتماعات خود را همیشه کنار میکشی؟
  - ۵- آیا مستقل کار کردن را بر کار مشترک مزیت میدهی؟ ۶- آیا زود مضطرب میشوی و خود را میبازی؟ ۷- آیا از کارهایی مانند سخن گفتن در اجتماعات احتراز مینمایی؟
- اگر کسی پاسخ مثبت بدهد از اهل درون و اگر جواب منفی بدهد از اهل برون است. اما این پرسش ها در طرز رفتار در اجتماع بوده در باره امور دیگر میتوان پرسش های زیر را بکار برد.

- ۱- از آینده تشویش داری؟ ۲- آیا در بیداری خواب می بینی یعنی مستغرق فکر میشوی؟ ۳- آیا در اوقاتیکه با کسی رو برو هستی یا بکار می مشغولی فکر تو بجای دیگر میرود؟ ۴- وقتی شیتی بدست پیآوری یا بپیزی نگاه میکنی زیاد بهتق در آت میپردازی؟
- ۵- در تصمیم گرفتن کند و مردد هستی؟

کسانیکه پاسخ مثبت بدهند از اهل درون و کسانیکه پاسخ منفی بدهند از اهل برون اند. البته بین این دو گروه طبقه متوسطی نیز هست که یکی از دو طرف نزدیکتر است. اهل برون مردمانی زرنک و با جرأت اند کلبم خود را از آب بیرون میکشند ولی اهل درون کم حرکت و معجوبند و در امور مادی توفیق نمی یابند. نویسنده کان دانشمندان و هنرمندان از اهل درون و بارز ترین نمونه اهل برون ازرگانان هستند.

دعوا و دردد سر بین باز نخواهد داد با اینکه اگر حتی کاغهای فراوان و گنجینه های گرانبها و خلاصه يك بهشت کامل هم آنجا در انتظار من باشد هرگز آنجا باز نخواهم گشت.

زیرا حقیقت آنست که نمیتوانم بازگردم. مگر من چه هستم. آیا قلبم از سنگ ساخته شده و جنس گوشتم از برنز است که بتوانم با میل و زنجیت در کوچهای که در روز روشن دخترم را پس از هتک ناموس سر بریدند قدم گذارم؟

خیر! آنچه از اولاد من که از دست مرگ رهایی یافته اند حق دارند از صلح و صفا برخوردار شوند و بنابراین هیچگاه بآنجا باز نخواهند گشت.

بچه را وادار میکنند که بین خود و جنس مخالفش بکنوع همدانی حس کند بدون آنکه هلتش را بفهمد.

آنوقت این جدالی در سنین بالاتر بطرز خطرناکی تغییر ماهیت میدهد و جای خود را بیک تمایل شدید، تمایلی که زائیده غریزه شهوی است میسپارد و این تمایل شدید و خطرناک هر لحظه مستعد منفجر شدن است.

## دوشیزگان عزیز شما هم بی تقصیر نیستید

و شارل بوابه های وطنی جواب مثبت گفته اند. دوشیزگان عزیز شما که هر عصر و شب با آن قیافه و منظره ای که من میدانم و خودتان هم مسوقید دست در دست چند نفر مثل خود میافکنید و گاهی هم تنها از اظهار این جوانان هوسباز سکه پرورده این معیبط با این تربیت فلت هستند میگذرید و در هر قدم خود هزاران کرشمه عاشق کش بزرگواران میکنید، سرپای هر جوان را خیره خیره با آن چشمان سیاه شده و رو کانهای با هزار زحمت برگشته خود و در انداز میکنید و گاهی هم لبخندی نمکین هزار بار شیرین تر از لبخند دینا دوربین بدره راه دون آمچی میکنید، شما که بدون در نظر گرفتن اینکه خیابان خانه نیست با صدای بلند هر چه در دل دارید میگویید و آنقدر که قدرت دارید بهقهقه میخندید و متوجه اطراف خود نیستید یا شاید هم هستید، شما که دامان کوتاه و تشنگ خود را جبراً با زبانه لال عهد بدست باد میسپارید و در دل میگویید «تا کور شود هر آنکه نتواند دید»، شما که بیایوه ها و هرزه گوئیهای رهگذران جواب هر چند هم ناساعد باشد میگویید شما که از تحسین ها و تعریف هاییکه در پشت سرتان بطوریکه کوش شما بشنود گفته میشود بغرور می شوید و همه راراست میندازید شما که پس از تمام شدن وقت مدرسه بدون کسب اجازه از والدین بسینما و گردش میروید و با درته دانسانها تنها شرکت میکنید، آیا مقصر نیستید؟ آیا هر منلکی که بشما گفته شود خودتان در گفته شدن آن سهم نیستید؟ آیا هر جوانی که بدنبال شما میافتد و بقول خودتان از شما سلب آسایش میکند با دست خود او را بدنبال خویش نکشاند این؟

در سالهای قبل میخواستند این آتش را زبر سرپوش بگذرانند و از تلاقی آن با بنزین جلوگیری بعمل آورند (متاسفانه امروز هم باز این آتشیای سرپوشیده را در خیابان ها زیاد ملانات میکنند) اما بتجربه دیده شد که آنهم مضرات فردی و اجتماع-ی فراوانی دارد که ما بوقع خود در آن باره بحث خواهیم کرد.

در نتیجه این طرز تعلیم و تربیت نا صحیح و کهنه بخصوص که اکثر افراد ما همین مقدار را هم فرا نگرفته اند اخلاق اجتماع ما خوب نیست. اکثر جوانان ما قادر بکنترل خود نیستند و بعضی درک احساسات شهوانی کور کورانه بدنیاال آن میروند و برای اطفای آتش خویش بهر وسیله متشبت میشوند و از هر راه، تسخینه میکنند. و معیطی که با بودن این افراد بوجود آمده طبعاً معیطی بر آشوب و فساد خواهد بود.

جوانان بوالهوس در کمینند تا دختر کی هوس باز بگذرد، او را بلطائف الحیل بچنگ آورند و بر آتش دل خویش آبی زنند و پس از آن بگذارند و بگذرانند تا کجا بار دیگر قربانی دیگری جویند و روزی چندبستی قهقهه ای زنند و عمری سیاه و تار برای یکطرف یا احیاناً برای طرفین فراهم سازند. در اینجا نه کنایه های اندرز، نه دستورات معاین اخلاق و نه تهدیدات و تهدیدات خانواده و با قانون قادر نیستند از این ماجرا جلو گیری کنند.

جوانی پلی است لر زنده و بی ثبات که بجزئی تگانی سرنگون میشود و سرنگون میکند راهنمایی همین و فکری همین و اراده ای قوی باید تا شخص از این پل پرخطر سلامت بگذرد و بحیات و آتیه خود دیشت بازنند.

حالا ببینیم شما دوشیزگان عزیز از این راه چگونگی میگذرید و از اینبهمه دامها و بندها چگونه خود را خلاص میکنید. در این جا لازمست پرسشی از شما بکنم و پس از آن بایه سخنانمرا بر جواب شما قرار دهم. دو دوشیزه یکی بی آرایش با لباسی معمولی و حرکاتی متین و دیگری را با صورتی رنگ آمیزی شده، لباسی افلا چهار انگشت بالای زانو و تنک و چسبان و اگر تا سنان باشد بدن نما و شهوت انگیز، موهایی چون ساختمان های بزرگان چند اشکوبه بانضمام بقیه اسباب و لوازم دلبری در نظر بگیرید آنوقت آندورا در یکی از خیابانها تعقیب کنید و ببینید کدام زود تر مورد نظر هوسبازان و دامگستران واقع میشوند. کدامیک زود تر هدف شیرین زبانیهای پسران لوس و خنک واقع میشوند و بالاخره هر يك با چه چشمی دیده میشوند.

جواب این ستوال بر هر صاحب نظری معلومت و اینرا هم از زبان يك جوان بشنوید و بباطر بسیارید که «جوانان را آن جسارت و حوصله نیست که پی دختران سنخ اول گیرند همکنست بر حسب عادت یاوه ای چند با آنها گفته شود اما مادر پس آن چیز دیگری نیست و از این گذشته عقل و تجربه با آنها حکم میکند که شکار خود را در تپ دو م زودتر و آسانتر میتوانند بچنگ آورند»

آن دوشیزگان که بی خبر از موتیت و معیط خدومی خبر از وضع اجتماعی و اخلاق صوملی مکان خویش خود را آینه تمام نمای

روح ما وابسته است. رفتن ما بفلسطین بر طبق حقی است که ما داریم نه يك قضیه تحمیلی ارض اسرائیل کانونی است که بایک اتفاق بین اللل برای ملت ما برسیست شناخته شده است و در آنجا است که بالاخره ما از صورت بفرنج يك «مشله» خارج خواهیم شد. در آنجا برادران ما با میل و علاقه و بی صبری تمام انتظار ما را کشیده و وسایل ورود ما را فراهم میسازند حقیقتا «محبوب بودن» برای ما موضوع بی سابقه و عجیبی است!

آنها در حالیکه تجربه زیادی در امور مهاجرت و تجدید بنا دارند حاضرند در این هنگام که غم و اندوه فراوان آسان ما را فرا گرفته شماره های

بقیه در صفحه ۳۳۴

هدی لامارها، دینا دوربین ها، ریئا هاپورت ها و لانا ترنهارا قرار میدهند تا فلند که برای خود چه وضع خطرناکی تولید میکنند و با این همل خود که تنهاییک تقلید ناقص وزشت و کور کورانه است دیر بازود، خواه و ناخواه و شاید بدون آنکه خود ملتفت باشند بخواهش ها و تقاضا های گذشته کلارک کابل ها، رابرت تاباورها، دون آمج ها،

و شارل بوابه های وطنی جواب مثبت گفته اند. دوشیزگان عزیز شما که هر عصر و شب با آن قیافه و منظره ای که من میدانم و خودتان هم مسوقید دست در دست چند نفر مثل خود میافکنید و گاهی هم تنها از اظهار این جوانان هوسباز سکه پرورده این معیبط با این تربیت فلت هستند میگذرید و در هر قدم خود هزاران کرشمه عاشق کش بزرگواران میکنید، سرپای هر جوان را خیره خیره با آن چشمان سیاه شده و رو کانهای با هزار زحمت برگشته خود و در انداز میکنید و گاهی هم لبخندی نمکین هزار بار شیرین تر از لبخند دینا دوربین بدره راه دون آمچی میکنید، شما که بدون در نظر گرفتن اینکه خیابان خانه نیست با صدای بلند هر چه در دل دارید میگویید و آنقدر که قدرت دارید بهقهقه میخندید و متوجه اطراف خود نیستید یا شاید هم هستید، شما که دامان کوتاه و تشنگ خود را جبراً با زبانه لال عهد بدست باد میسپارید و در دل میگویید «تا کور شود هر آنکه نتواند دید»، شما که بیایوه ها و هرزه گوئیهای رهگذران جواب هر چند هم ناساعد باشد میگویید شما که از تحسین ها و تعریف هاییکه در پشت سرتان بطوریکه کوش شما بشنود گفته میشود بغرور می شوید و همه راراست میندازید شما که پس از تمام شدن وقت مدرسه بدون کسب اجازه از والدین بسینما و گردش میروید و با درته دانسانها تنها شرکت میکنید، آیا مقصر نیستید؟ آیا هر منلکی که بشما گفته شود خودتان در گفته شدن آن سهم نیستید؟ آیا هر جوانی که بدنبال شما میافتد و بقول خودتان از شما سلب آسایش میکند با دست خود او را بدنبال خویش نکشاند این؟

و اگر در نتیجه این امر خدای نکرده آتیه نامطلوبی دامنگیر شما شود نیسی از تقصیر آن بگردن خود شما نیست!

اینبهمه که در اینجا گفته میشود حقایقی است که هر روز و هر ساعت امثال آن در مقابل نظر هر فردی تکرار میشوند و بایک نگاه در هر خیابان میتوان نظایر آنرا جست و نشانداد. چه بسیار شده است که من ماجرای دیشب یا دیروز دوشیزه را در خیابان از زبان خود او شنیده ام در حالیکه چند قدم با من فاصله داشته است!

چه بسیار اتفاق افتاده است که دختران را عصر، کیف و کتاب مدرسه و روپوش خاکستری تنها در کلاسهای رقص و دانسنیک ها دیده ام! و چه زیاد دیده ام دخترانی را که بدون خبر و اجازه والدین خود تا اواخر شب درته دانسانها شرکت کرده اند و پدرشان هم این بوده که منزل نلان دوستم درس حاضر میکردم.

دختران باید آزاد باشند، بسیار خوب اما نباید آزادی را با سبکسری و بی بندوباری و لجام کسینگی اشتباه کرد زیرا لجام کسینگی و بی بندوباری بآب زدن برای يك دوشیزه جوانت براتب خطرناکتر از محدود شدن و کنج خانه حبس بودن است.

آیا این قبیل دوشیزگان با این حرکات و رفتار خود روزهای بد آتیه را برای خود تهیه میکنند؟ آیا اینها میتوانهم تقصیر را بگردن پسر ها انداخت؟

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.

پس تصدیق کنید که خود شما هم دوشیزگان عزیز (منظور دختران پیش گفته است) بی تقصیر نیستند و اگر تصدیق میکنید در طرز رفتار خود تجدید نظر کنید و آنرا باوضاع معیبط و مقتضیات اخلاق جامعه وفق دهید.





کارکنان کتاب عالم بهبود در نظر دارند که هر هفته کلیه اخبار اسرائیلی ایران را بطبع برسانند ولی متأسفانه با اینکه گزارش از نمایندگان ولایات خواستار شده که اخبار را ارسال دارند معینان فرستاده اند ما انتظار داریم که انجمن های ولایات اقدامات خود را مختصراً هر هفته بر گزار سال دارند تا درج شود.

### انجمن کلیه میان تهران

برای استرداد کاروانسرا و املاک ملت اسرائیل (مجلس ملی دبستان نظامی) از طرف انجمن اقدامات مجدانه بعمل آمده است و از قرار اطلاع واصله مقامات صلاحیت دار حاضر شده اند که املاک نامبرده را تحت شرایطی مسترد دارند.

### دبیرستان اتحاد

هفته گذشته جناب آقای اریه و چند نفر از اعضای انجمن کلیه میان برای سرکشی و امتحان شاگردان دبیرستان تشریف برده اند گرچه پیشرفت شاگردان نسبت بسنوات گذشته بیشتر بوده ولی وضعیت تحصیلی شاگردان کلاس ششم که باید برای گذراندن امتحانات نهایی حاضر شوند کاملاً رضایت بخش نبوده است آقای کوهن مدیر دبیرستان قول داده اند که جدیدت بیشتری برای پیشرفت شاگردان مبذول دارند.

### ملازمین

از قرار اطلاع حاصله آقای راب لوی که اخیراً به بلایر مسافرت نموده اند تمهید کرده اند که ماهیانه مبلغی تحت اختیار جبرای آن محل برای تاسیس دبستان شش کلاسه بگذارند آقای داود کلیه میان هم برای این منظور به تهران آمده و جناب آقای اریه هم برای عملی شدن این منظور مشغول اقدام هستند.

### خرید تورا

طبق اطلاعیکه بما داده شده است آقای عبدالله دهشتی از وجوهیکه بعنوان خرید تورا دریافت نموده است ۲۲ جلد تورات نای و ۱۰ جلد هفتارادار خریداری نموده است.

### هنرستان خیاطی

چنانکه ضمن گزارش مفصل و جدا گانه اطلاع داده خواهد شد اخیراً در دبیرستان اتحاد تحت نظر انجمن بانوان هنرستان خیاطی برای تعلیم دختران تاسیس شده است و مادام زند روز شنبه گذشته برای جلب کمک به کیسها مراجعه و عده کثیری از اشخاص خیر خواه از قبیل آقایان سهنی و مراد پور و مهدی کهنیم (کوه نور) و غیره کمک های شایانی نموده و نیز تمهیدات دیگری نموده اند.

### انجمن روحانی

انجمن روحانی که قریب دو سال است تحت ریاست آقای سلیمان حثیم تاسیس شده و مرام آن «تعمیق در مسائل دینی و راهنمایی جوانان اسرائیل و اصلاح امور کنیسا» میباشد که شب های دو شنبه در کنیسه مرحوم ملاحینا واقع در خیابان سیروس و روزهای شنبه بعد از ظهر در کنیسه های مختلفه سخنرانی های مذهبی و دینی مینمایند.

### برای تهیه کنیسا

از قرار اطلاع رسیده چون جمعیت اسرائیلی های خیابانهای اطراف چهارراه کنت زیاد شده برای احداث یک کنیسه هیئت مرگباز که آن محل تشکیل شده و با تفاق آقای افندی نامی مشغول اقدام میباشد بدین در این خصوص اقداماتی که بعمل خواهد آمد خواهیم نوشت.

### کنسرت

انجمن بانوان برای کمک به هزینه هنرستان خیاطی و ناها خوری دبیرستان کورش در عدد بر آمده که کنسرت چالر توجیبی از طرف موسیقی دانهای معروف لهستانی و فنقاری بدهند بلیطهای آنها هم قریباً منتشر میشود.

### گانون خیر خواه

چون در قسمت ۱۸ چاپ شده بود که عده ای روز کیور تمهید نموده اند که برای ساختمان درمانگاه و جوی بپردازند ولی تا بحال تمهید خود را انجام نداده اند و عده زیادی هم از اشخاص خیر بسا رجوع نموده اظهار میدارند هنوز کسی برای دریافت وجه با همراجا ننموده و بلاواسطه گانون هنوز مقدمات کار را فراهم ننموده تا مردم تشویق پرداخت وجه شوند.

ما نظر کارگوان را براتب فوق جلب مینماییم.

### عقودت حثیم

از قرار اطلاع حاصله انجمن عقودت حثیم که مرام آن آبادانی بهشته (قبرستان سابق که تبدیل بیاغ شده است) و قبرستان جدید میباشد در نظر دارند برای ایلانوت (عقد درختکاری) مقدار ده هزار قلمه در محل های نامبرده غرس نمایند و برای تهیه وجه در نظر دارند نمایشی ترتیب دهند.

### باشگاه دوشیزگان و خواهران

اخیراً باشگاه هایی تحت عنوان نامبرده در تهران تاسیس شده و از طرف بعضی از فامیل ها در خصوص مرام و صلیبات باشگاه های نامبرده بهالیم بود مراجعه شده است ولی هیچگونه اطلاعی از ماهیت و طرز رفتار و کارهای آنها در دست نداریم زیرا با وجودیکه کنیا مرامنامه و نظامنامه آنها خواسته شده است تا بهال ارسال نداشته اند.

### نمایش شائول

اخیراً عده نامعلوم بنام هنریشکان خردسال تل آویو اعلانی مبنی بر دادن نمایش شائول در بناهله منتشر نموده اند.

### کلوپ ورزشی جوانان

مدت یکسال است که در دبیرستان اتحاد کلوپ ورزشی تحت سرپرستی آقای با با اف تشکیل شده و کاملاً هم پیشرفت نموده است. مقضی است کلوپ نامبرده برای اطلاع عامه شرح عملیات خود را برای ما بنویسند.

### جشن حنو کا در کرمانشاه

در شب اول حنو کا از طرف هیئت جوانان اسرائیل کرمانشاه جشن باشکوهی بیاد ایام برانفتار گذشته که یاد کارجلال و آزادگی اجداد مقدس و آزادبخواه ما است برقرار شد.

ابتدا باروشن کردن دوشمع بزرگ بطول یک متر بوسیله آقای مشه های بزدی یکی از محترمین تشریفات مقدماتی جشن را شروع سپس چند نطق و خطاب به ایراد و آقای اسحق یاشارل در طی سخنرانی مفصل و جالبی شرح و نتیجه عملیات هیئت جوانانرا با اطلاع جماعت رسانید.

بعد از آن یاخواندان سرود ملی توسط دختران دانش آموز و نواختن ویولون حضار را غرق سرور و شادمانی نمودند.

اسرائیلیهای کرمانشاه بچوانان خود بسیار علاقمند و خوشبین هستند زیرا با وجود موانع زیاد و با وجود موقمتیهای نامتناسب جوانان اسرائیل کرمانشاه توانسته اند در مدت کوتاهی باصلاح

### پاسخ آقای کهنصدق

در تعقیب پرسشیکه در قسمت ۱۵ از آقای کهنصدق شده بود ذیلا مفاد پاسخیکه از طرف ایشان رسیده است درج میشود.

مدیر محترم کتاب عالم بهبود

عطف به پرسش در قسمت ۱۵ آن کتاب اشعار میدارد:

آقای هاراب اسحق مشیرلوی نماینده جنابان هاراب بن سیون هوزینل و هاراب اسحق هالوی هرتسوک پیشوایات اعظم روحانی ارس اسرائیل و نماینده اتحادیه ریائیم ارتودکس امریکا در اثر مطالعاتیکه از اوضاع اسرائیل های ایران بعمل آوردند به بیچارگی و خودگی و عدم اطلاع کافی از فرهنگ مذهبی این ملت برده و برای چاره جویی مراتب را به مقامات فوق الذکر رسانیده و طلب مساعدت نمودند - مجمع اتحادیه ریائیم امریکا از قضیه متأثر و بمنظور ترویج و تعلیم روحانیت اسرائیل و ارتقاء سطح معلومات تورات و تاسیس کلاسهای تدریسی زبان عبری تقاضا را اجابت و برای شروع عمل تلگرافا میانی ارسال و وعده داده اند هر قدر پیشرفت شود وجوه لازمه را خواهند فرستاد.

این جانب از طرف ایشان بقتت شرقی و مرکزی ایران مسافرت نموده و در هر محل اقدام بتاسیس کلاسهای تدریس زبان مذهبی عبری نمودم و وجوهی هم پرداخت شده است.

قسمت غرب ایران هم به آقای کهنسکا مدیر دبیرستان همدان واگذار گردید و معزی الیه هم وظیفه تقدیر را بفرینی انجام داده در هر شهرستانی انجمن فرهنگی روحانی بنام «وعدت بریت تورا» تشکیل و پس از تبادل افکار بودجه ای تعیین گردیده.

ولی چون وجه کافی نبوده و در ضمن مسافرت هاراب لوی به ارس اسرائیل پیش آمده متأسفانه بقتت غرب بسازرسی میوه کوهنکا وجه لازمه پرداخت نگردیده است.

اخیراً تلگرافا تقاضای وجوه لازمه برای بیست و شش محل از امریکا شد و پس از چندی تلگرافا جواب رسیده که وجه میسرانند امید است عنقریب وصول و بشهرستانهای منتظر تقیم و اجین ها و آموزکاران و دانش آموزان با کمال دلگرمی برنامه تدریسی را عملی کرده و از مزایای آن بهره مند گردند.

علاوه بر برنامه تعلیمات فرهنگی دینی و زبان مذهبی در نظر گرفته شده که بوسیله تاسیس کارگاه ها جوانان را بکار و صنعت باز داشت که بعد ها بمانند براهتی امرار معاش نموده و بی نوبان نیز داخل کارهایی شوند که از دست رنج خود بهره مند گردند.

شلمو کهن صدق تهران - ۲۴ کیلو ۵۷۰۶

عالم بهبود - درج نامه آقای کهنصدق بواسطه تعطیل یک هفته بتمویق افتاد و مطابق آخرین خبریکه رسیده است اخیراً نیز مبلغی از طرف انجمن ریائیم رسیده و آقایان راب لوی و کهنصدق برای تنظیم پروگرام کلاسهای تدریس زبان مذهبی عبری در تاریخ ۳ شنبه ۱۹ آذر بوسیله قطار بسوی اراک و درود حرکت کردند آقای کهنصدق به الیکودرز و گلایگان و خین اصنهان و برد و هیراز میروند و آقای راب لوی بسوی اراک، ملازمین بروجرد و همدان و کرمانشاه و شهرستانهای تابیه و سپس به تهران آمده و مستقیماً بشیراز خواهند رفت بهلاوه در نظر است انجمنی در تهران بنام انجمن ترویج زبان مذهبی تاسیس گردد - ما بهدا توضیحات بیشتری را نسبت با اقدامات فوق خواهیم نوشت.

بسیاری از خرابیهای داخلی خود بپردازند و با صمیمیت و پشتکار خستگی نا بدیری با اقدامات برجسته موفق شوند. بادادن کاردن- پارتی و نمایشات و کسب عایدات مستقیم و غیر مستقیم تاکنون که بودجه دبیرستان ملی اتحاد را که بدبختانه مانند سایر مدارس اتحاد مبنای نقصان مالی است تأمین و از بسته شدن آن جلوگیری نمایند.

عالم بهبود - شهادت و خدمتگذاری جوانان اسرائیل کرمانشاه مورد اعتراف عموم است امیدواریم همت و اتحاد و ملت دوستی آنها سرمشقی برای کلیه جوانان باشد و ماموقیت و ترقیات آنها را در امور ملی و اجتماعی خواهیم.

### تکذیب

در تعقیب نامه وارده از همدان که ضمن قسمت ۱۴ کتاب عالم بهبود صفحه ۲۵۳ راجع بتدریس زبان مذهبی درج شده بود اخیراً نامه ای از طرف انجمن مرکزی اسرائیل های همدان تحت شماره ۱۶۸ روز ۳۰ - ۸ - ۲۴ دایر بتکذیب مندرجات نامه نامبرده رسیده است که ذیلا خلاصه آن درج میشود.

۱ - در اثر تقاضای هاراب لوی راجع بتدریس زبان عبری در دبیرستان همدان و تاسیس کلاسهای مخصوص تدریس این زبان در سایر شهرستانهای تابعه همدان آقای کوهنکا مدیر محترم دبیرستان اتحاد علاوه بر تعلیم زبان مذهبی در دبیرستانهای همدان سایر شهرستانهای تابعه مسافرت نموده و کلاسهای تاسیس نموده و بودجه آنها را تعیین نموده به آقای راب لوی ارسال داشته اند ولی تاکنون باوجود تاسیس کلاسهای نامبرده هنوز دیناری ز طرف ایشان رسیده است که حیث و میل شده باشد.

۲ - کانون جوانان که از طرف یکده از جوانان معارف پرور تشکیل شده کاملاً بوظائف خود عمل نموده و با هیئت مدیره دبیرستان و امور ملی تشریک مساعی مینمایند.

۳ - اولیای دبیرستان اتحاد برای ترقی اطفال همدان زحمت میکشند توده اسرائیل همدان از مساعی آنها متشکر است.

۴ - بنا براتب فوق آنچه از طرف نویسنده نامه بدون امضاء نوشته شده است مورد تکذیب است.

عالم - بهبود آنچه را مانوشته بودیم با شك و تردید بوده و تقاضای توضیح شده و با توضیحات فوق معلوم میشود اظهارات آقای... از روی احساسات شخصی بوده و بدیهی است که زحمت کارکنان انجمن و دبیرستان اتحاد همدان قابل تقدیر است.

### نامه وارده

آقای باقوتی سلیمانی ضمن نامه که از خمین نوشته اند متذکر شده اند که از دو ماه پیش تاکنون جنبشی در بین ایسر لهای خمین پیدا شده و انجمنهایی بنام «وعدت تورا» و «قرن قیمت اسرائیل» برای ترویج فرهنگ عبری تشکیل گردیده و ضمناً از نبودن معلم عبری که سواد کافی داشته باشد شکایت کرده اند و در ضمن اظهار کرده اند «ما نیکویم با افتاده ما بدست دیگران برداشته شود، ما کمک فرهنگی لازم داریم» و باز جای دیگر مینویسند «بدبوسیله از آقای اریه نماینده محترم که علاقه نسبت بفرهنگ اسرائیل دارند تقاضا میشود درد ما را درمان کنند و روح ملی ما را بوسیله فرهنگ احیاء فرمایند»



### صدائی که از قبرستان بیرون میآید

زیادی از ما را یذیرند آیا این مطلب در باره کشور های دیگر هم صادق است ؟

آنجا اطفال من دو مرتبه زندگی خواهند کرد بیچارگها و بلایای گتو نابود خواهد شد آنان دیگر خود بخود مانند من تاجر بار نخواهند آمد و اگر مایل باشند در حلقه بزرگان و صنعت کاران - ماهران و جاده سازان در خواهند آمد .

آنجا نطفه علی یسگوتیها و آرزو های کهنسال یغبران و یران ما در باره عدالت اجتماعی در يك جامعه جدید و سالمی در حال تکوین میباشد کودکان من نیز اگر خواستند به تشکیلات اجتماعی و تعاونی ملحق شده و باین طریق بطرز شرافتمندانه ای به نیکی و سعادت عموم خدمت خواهند کرد .

در ارض اسرائیل یهودیت و فرهنگ یهود در حال تجدید حیات است آنجا فرهنگ عبری جوانان نوینی را میشناسد سرود عبری کاملاً تازه دارد روح و روان یهود دو مرتبه قوت گرفته است آنجا اولاد من نه فقط اجسامشان نجات خواهد یافت بلکه روح آنان نیز آزاد میگردد . در آنجا آنها فقط باز خریده نخواهند شد بلکه به تقویت و تجدید حیات و عقیده و روایات پدران من کک خواهند کرد .

من تمام این مطالب را بآن مخبر آمریکائی گفتم سپس او موضوع « کتاب سفید » را پیش کشید و گفت اگر درهای فلسطین را بروی شما به بندند چه میکنید ؟

گفتم آنها چنین کاری را نخواهند کرد آنها مردمان خوبی هستند که مشقات ما را بچشم دیده اند از این گذشته آنها اشخاص معتبر و مطمئن هستند و بنا قول داده اند آمریکائی باز ادامه داد اگر مثلاً بواسطه پیچیدگی اوضاع بین المللی یا حقایق سیاسی و مسائل مهتر دیگری نتوانند چه میشود ؟ باز جواب دادم که برادران من در خارج احساسات مرا میشناسند و چنین علی را اجازه نمیدهند .

وی اصرار کرد : خیلی خوب فرض کنیم که این دفته کوتاهی کنند یا اینکه در مقابل دیگران ضعیف باشند آنوقت چه میکنید .

گفتم - باز هم در همان حال من متوقف نخواهم شد . هیچ چیز مانع من نخواهد بود من باندازه کافی متحمل بیچارگی شده ام و اکنون بخانه خود باز میگردم .

حسیم رینو ویتس بمنزل خودش میرود و اکنون شصدهزار یهودی بشل او در فلسطین اجتماع آزاد و فعال و یک جزیره کاملاً دموکراتیک و بی مثلی در میان ممالک خاور نزدیک بنا نموده اند که ۳۵۰۰۰ نفر مرد و زن جوان با او نیغورم جنگی مخصوص به سایهان ملل متفق تقدیم نموده است و اجتماعی را ترتیب داده که در امور انسانیت یش و تمدن جهان و تشکیلات آن بر پایه های عدالت اجتماعی برقرار گشته است .

وسایل تجدید حیات یهودیت را بطوری فراهم آورده که گذشته از نیک بختی و سعادت خویش به ترقی و تعالی تمدن دنیا نیز کمک فراوان میکند شماره « رینوویس » متجاوز از میلیونها نفر است و شامل صدها هزار یهودیان بی خانمانی است که مانند وی باستانهای ارض اسرائیل از همه جا مایوسند و این دوست همان معنی « صدای متحد فلسطین » را میسراند .

ربی ملتون اشتین برک

### چهار کلنی جدید در چند هفته ساخته خواهد شد

از طرف کتبه اجراییه آژانس یهود نقشه هائی بامواقت قرن یهود و سرمایه ملی یهود برای ایجاد ۱۴ دهکده جدید تهیه شده است این مراکز جدید کشاورزی که بیشتر تخم جنجویان قدیمی است در چند هفته ساخته خواهد شد مبلغ نیم میلیون لیره برای این منظور تخصیص یافته است . مسیو کابلان در جلسه هیئت عمومی صیونست در اورشلیم بنام آژانس یهود اعلام نمود که حق تقدم در استفاده از این کلنی ها مخصوص سربازان میباشد .

نامبرده ضمناً اظهار داشت که در نظر است کلنی هائی هم برای نایندگان یهودیان فلسطین که در نخست ترین دوره های جنگ یشت جبهه آلمان ها فرود آمده و وظایف خود را بخوبی انجام داده ساخته شود . کلنی جدیدی متعلق به « هیوعل همجزراحی » واقع در ۳۰ کیلومتری جنوبی اورشلیم بافتخار دکتر هرسوک پیشوای مذهبی اشکنازی در فلسطین بنام « مسوات استحق » نامیده شد .

« حبریم » ساکنین آن عبارت از چهل نفرند که ۸ نفر آنها از باقی ماندگان بازداشتگاه برکن بسن می باشند . در مجلس ضیافتی که راجع باین امر برپا بود اعراب مجاور این کلنی و نمایندگان انگلستان و امریکائی نیز در آن حضور داشتند نطق های مهیجی شد و دکتر هرسوک از این احترام و افتخار تشکر نمود و گفت که روش تجدید بنای فلسطین عبارت از « دعا کردن و کاشتن » بوده است .

از بزرگ خیر می دهند که سیاه مستقل یهود در مقابل نایندگان ارتش بزرگ یک سری از عملیات و تاکتیک نظامی را مانور داده است و مسابقه فوتبالی هم بین دسته مکابی بزرگ و بازیکنان سیاه یهود بعمل آمده است

### یادبود یک قهرمان جوان

دردوره جنگ یک دختر جوان فلسطینی بنام « حنا سناز » با جتر نجات در یکی از کشورهای اشغال شده فرود آمد ولی بدست آلمانها گرفتار و کشته شد و برای دوام یادگاری این قهرمان جوان نام وی را بر مهانخانه ای که جدیداً از طرف انجمن یهودیان مجارستان در محله بخارائی ها در اورشلیم برای مهاجرین ساخته شده گذاشته اند مادر « حنا » که با تفاق عده ای از یهودیان مجارستان که باقی ماندگان بازداشتگاه هستند و چند هفته پیش به ارض اسرائیل وارد شدند در ضیافت حضور داشتند .

۳۰۹ راس گاو کلنی یهودی « بشرطویا » امسال ۱۴۰۰۰۰ راس لبر شیر داده است در تهیه محصولات لبنیات فلسطین که از حیث مقدار جزو بزرگترین محصول کشورهای جهان است « موشاو » در راس هم قرار گرفته است .

### تفاوت

خانمی وارد اطان کار پزشکی شد . پزشک که مشغول نسخه نوشتن برای زن فقیری بود بی آنکه سر بردارد و نگاه کند گفت : بفرمایید خانم روی یک صندلی بنشینید تا نوبت شما شود .

پس از یک دقیقه خانم با بیحوصلگی گفت : دکتر ، آخر من خانم آقای ۱۰۰۰ هستم .

دکتر نیزه فک می باوانکنده و با خونسردی گفت : بسیار خوب ، پس روی دو تا صندلی بنشینید .

### تاریخ یهود

مجموع این عوامل تشکیل کشور فلسطین را میداد که بر روی ایام با خون و فکر و روح یهود آغشته و وابسته گردیده و باندازه ای رشته های بیوند یهود با کشور خویش محکم شد که بعد از هزاران سال هجران و غربت هم از هم گسخته نشده . چهار طایفه بنی اسرائیل که در شمال ارض اسرائیل ساکن شدند سرحدات شمالی ارض اسرائیل را در مقابل دشمنان حفظ میکنند و طوایف چهار گانه جنوبی هم بمنزله مرز داران جنوب در مقابل بلشیتیم ( فلسطینیان ) اقلیت زمین طایفه « لوی » فقط سهمی نبرد زیرا این طایفه مطابق قوانین مذهبی خدمت گزار خداوند و محافظ الواح تورات و مأمور اجرای قوانین مذهبی بود و بایستی در تمام کشور بغض شده و هدایای مذهبی ( عشر ) را جمع آوری نماید . موضوع بسیار مهم که قطعاً در تجزیه و تحلیل قوای ملت اسرائیل بی اثر نبوده است آنکه بعد از فتح کشور طایفه یوسف که بواسطه احترام و حرمت حضرت یوسف حود را بر طوایف دیگر ارجح مشهور و ضمناً بهوشوع رئیس ملت هم از میات وی برخاسته بود قسمت بر برکت و وسیع مرکزی را اختیار کرده بود آن ساکن شد و بواسطه دلایل مذکور قطعه دیگری را هم مطالبه میکرد ولی بهوشوع از انجام آن تقاضا سرباز زد این حس کم و بیش در بین طوایف دیگر اسرائیل نیز که قوتی داشته و شماره افراد آنان از دیگران بیشتر بود از جمله طایفه یهودا رواج داشت و بر اثر همین مطلب یک مغالفت و رقابتی خصوصاً بین دو طایفه افرایم از خاندان یوسف و یهودا ساکن جنوب شروع میشود که بعد ها باعث جنگهای داخلی شدید و برادر کشی های سهمگین گردید و بالاخره موجب انتقال سلطنت از طایفه افرایم طایفه یهودا شد

### مخترع کو چولو

پسر - ( باسرت و ذوق بسیار وارد اطاق میشود ) بابا جان یک ساعت زحمت کشیدم همه دست هام زخم شد تا توانستم تلفن بیسیم بسازم . پدر - ( با خرسندی بسیار ) بارک الله هزار آفرین ، بطور درست کردی پسر جان ! پسر - بازحمت زیاد همه سیسهای تلفن را قطع کردم بیسیم شد !

### عاشق با محبت

عاشق - برویم مزیم ، چرا پشت شیشه های این مفازه ایستاده ای ؟ چه می خواهی ؟ مشوق - یک بانوی بهاری میخواهم عاشق - برویم خیلی قشنگتر از اینها توی ژورنال مدهی که من در خانه دارم هست .

### تشخیص صحیح

پزشک ( پس از بسامت معاینه ) بقیه من بیماری شما هیچ دلیل دیگری بدهی و خشکی هوا ندارد . برای معالجه یک چند بساحل دریا بروید . بیمار - آقای دکتر من دریا وارد هستم .

صفحه پنجم ها در این شماره بواسطه کثرت اخبار چاپ شد



قسمت

۲۰

بها ۵ ریال

# عالم پیرو

# بهدار و باارادگان

صاحب و مدیر

مهندس بوستانی  
حبيب الله لای

نشانی: تهران  
چهارم راه رازی

گرائی: «هاغولام»



خانم

\*(زند)\*

رئیس

کمیته

خیریه

بانوان

کارت سالی  
۱۳۳۶

ترجمه کنید

بدون فر از کدایک بهتر  
از همه ترجمه کدایک ماه  
کتاب عالم بهود داده  
خواهد شد.

آقایان + مرادیان

و منوچهر کهن  
برند کان جوائز جدول  
و مسابقه قسمت ۱۱ متنی  
است نشانی خود را بفرستید  
تا جایزه برای شما فرستاده  
شود.

خریداری میشود

قسمتهای ۳ و ۱۳ و  
۱۸ به بهای خوب خریداری  
میشود.  
فروشندهگان شبها بدفتر  
عالم بهود مراجعه نمایند

فراوان

اگر مادر شدید

؟

سعادت خانواده خود را چگونه  
میخواهید تامین کنید

-۴-

مندرجات این ستون که اینک شما آنرا مطالعه میفرمایید،  
افکار و آرزوهائی است که مدتها در زوایای نَفَسِ و دل خویش آنرا  
پنهان کرده و اینک قسمتی از آنرا بطور اجمال با قلم خیال مینگارم  
من تامین کانون سعادت خود را بصورت انجام وظایف و  
مسئولیات اجتماعی خویش بانوانی و بردباری و صرفه جویی و موازنه  
خرج و دخل و خوشروئی، و نیز بشیروی تدبیر و اراده موانع زندگی  
را معدوم کردن میدانم.

و نیز تامین نیک بختیم را در این می بیند که زندگی زنا دومی  
را شایان تقدیس دانسته و در مقابل طوفان حوادث مقاومت نیایم.  
باید کار کنم زیرا روی زندگی بانوان خانه دار سستی و راحت  
طلبی مفهومی ندارد.

و وظایف من است که با بازوای توانا و چهره ای بشاش چرخ  
سنگین مرحله مادری را حرکت داده و با اراده ای راسخ اطفال خود  
را از روی اصول صحیح تربیت نموده و پرورش بدهم. و در کودکی  
میهن پرستی، راستگویی، اتکاء بنفس و نوع پروری را در اذهان  
آنان تلقین نمایم و در فرا گرفتن زبان مقدس عبری من کافی بنمایم  
و افرادی شجاع و لایق تحویل جامعه دهم و همچنین کوشش میکنم  
همسری مهربان برای شوهر خویش باشم و تا آنجا که شایسته است  
واژه بدهم بر آیم از کمک فکری و عملی بار خود داری نگنم شاید  
بتوانم بایک علاقه و محبت سرشاری تامین سعادت این مرحله از زندگی  
را که دوره زناشویی است کرده باشم.

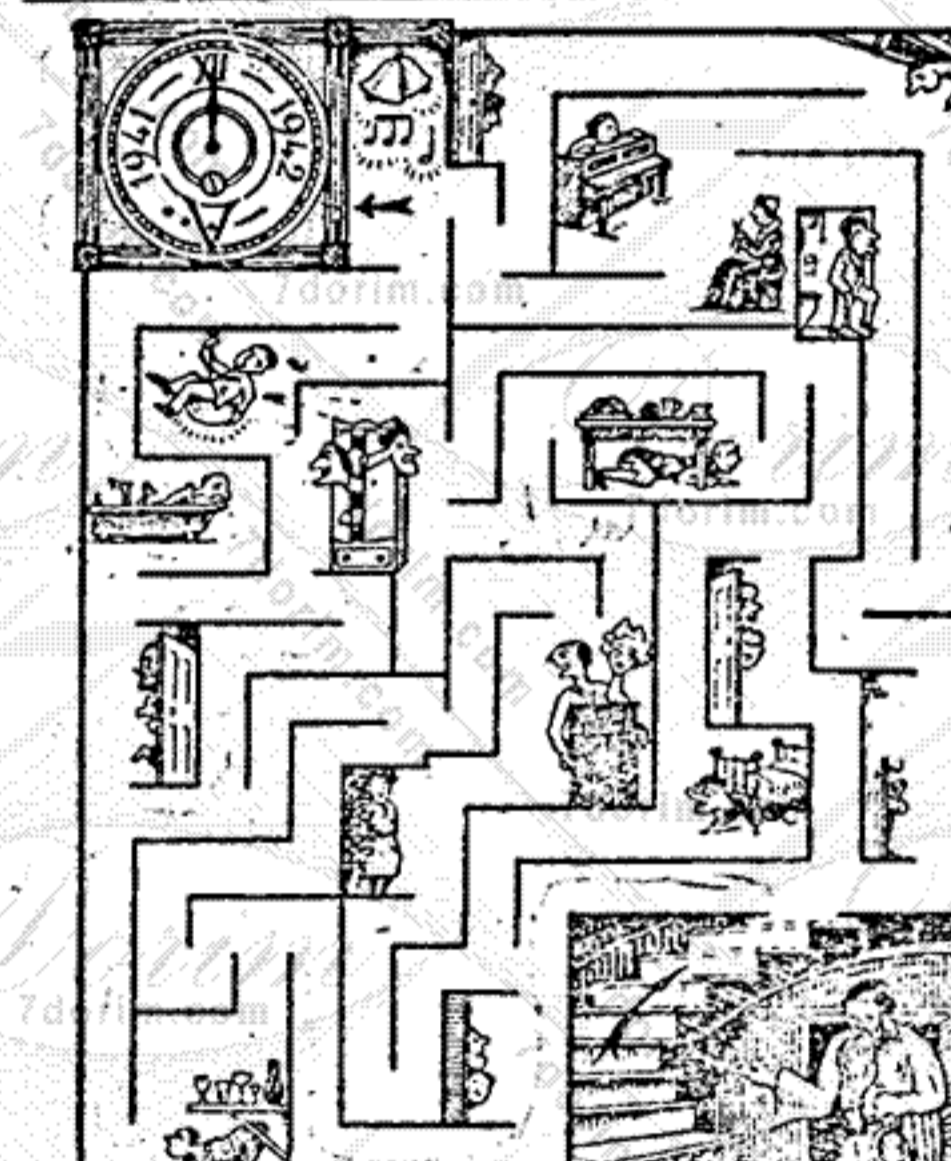
کرمانشاه دوشیزه اشپز

برندگان جوائز ترجمه کنید قسمت ۱۳  
در ترجمه این قسمت دوشیزه دبور کاشی نژاد و آقایان

کتولا سامیح و داود میزراحی از تهران آقای موسی موسی جوسالی از  
رضایه نصرت الله اسماعیلان از ملایر، میورشلو و ایل از شیراز و الیاهو  
متوسل از آبادان شرکت نمودند و از بین آنها ترجمه دوشیزه  
دبورا کاشی نژاد از تهران و موسی موسی از رضایه از همه بهتر  
بودند این برنده شناخته میشوند و اینک ترجمه صحیح آنرا نظر  
خوانندگان میکنند.

احوال پرسی

طفلی از کنجشکها برسید: > بهجا ای کنجشکهای من!<  
> شما بکجا پرواز میکنید - بکشورهای گرمسیر، بچه جان.<  
> اینجا همه چیز بزرگتر است، و چند وقت دیگر ایام برف <  
> و سرما و گرسنگی فرا میرسد.<  
> اما اینجا، خورشید درخشان، آسمانها صاف و <  
> روشن و جنگلهای سبز و خرم میباشند.<  
> بروید سلامت، کنجشکان من قبر، مادرمان راحل <  
> را در بیت اللحم زیارت ننمایید. و در حبرون و اورشلیم نیز <  
> اقامت کنید. بدمکه بروید و در آنجا مدرسه رفتن کودکان را به <  
> بیست و از قول من از آنرا احوال پرسی کنید. بسیار خوب، بپشم، <  
> بچه جان همه جا خواهیم رفت و بچه هارا تجسس و پیدا خواهیم <  
> کرد، در سال آتی خبر خوشی و سلامتی آنها را برای شما <  
> خواهیم آورد.<



این پیر مرد  
در بیان موظف  
است که از بلهها  
بالا رفتن ساعتی  
که در لای صمات  
است کوه ناپدولی  
در موقع بالارفتن  
نباید بیش از سه  
نفر او را ببینند  
در صورتیکه در  
موقع مراجعت  
باید تمام ماکنین  
صمات را بیک یک  
در تمام طبقات  
سلام گویند این  
راه را چطور  
باید طی نماید در

صورتیکه دو مرتبه از یک راه عبور ننمایید - شما او را راهنمایی ننمایید  
و این راه را با ارسال یک ریال تبریکشان دهید و ده جلد عالم بهود  
برای حق الزحمه خود دریافت دارید

برندگان جدول پروانه قسمت ۱۳

از تهران، دوشیزه عالی بسلت - آقایان سلیمان باشار -  
اسحق کئی - پرویز اریه - ناصر ملامد - اسحق حکیمی - فرج الله  
اوریان - خلیل مبطاحی - عزت الله کامجو عزیز الله اسمعیلیان -  
م. رحمانپور - هارون کهن.  
از شهرستانها دوشیزه ویکتوریا فرزند - ویکتوریا  
بوستانی - و آقایان: بنیامین عبریانی - رحیم دائی - آقایان  
هدائی - یوسف قانونیان - سعید آروزان - م. آ. هیرمند -  
حاجی بابا مرادسلوک - موسی موسالی - لاله زار کتولا - داود  
مزرایی - باشی عدرا اقبالی - فرج الله شکری الیاهو - متوسل  
این جدول را صحیح حل نموده اند طبق قرعه کشی بین اشخاص  
فوق دوشیزه ویکتوریا فرزند از شهرستانها و آقای اسحق  
حکیمی از تهران برنده شناخته شده اند.